

دول سائره دانستند که با کوریا بالاصاله نمی تواند طرف هیچگونه معاملات سیاسی و اقتصادی واقع گردند فوراً نمایندگان خود را طلبیده نمایندگان کوریا را هم جواب گفتند

سفیر کوریا دوبار پس آن ایام سخن جانسوزانه گفت « دیروز من در دربار فرانسه چون سائره نمایندگان دول محترم و بذیرفته می شدم ، بد بختانه امروز نه تنها به هیچ سمت شناخته نشده و بذیرفته نمی شوم بلکه به اشارات چشم و اورو توهیناتی که لایق نمایندگان ملل غفلت زده است می بینم »

نمایندگان ما که پیش از سائره افراد ملت باین نکات دقیقه واقفند زیاده از سائرهین باید در بیداری ملت و رجال دولت درین موضوع خاص بکوشند و نتیجه مکنونه این یاد داشت سفارتین را که علناً هو استقلال ایران را خواسته اند بآنها بجهانند

ظاهر است اگر ایرانیان در مقابل یاد داشت سفارتین سر تسلیم خم نمایند آلمان و آستریا و فرانس و آمریکا و غیره بجهت و سکدام امید واری نمایندگان خود را در ایران باقی توانند گذارد و بجهت سبب نمایندگان ایران را خواهند بذیرفت ، عالم عالم اسباب و امید است ، همینکه قطع سبب و امید شد هیچ علقی برای بقای رابطه اقتصادی و سیاسی باقی نمی ماند ، در آن صورت چه فرق بین ما و بخارا و افغانستان و خدیو مصر خواهد ماند ، امروز با واسطه مالالتجاره دول بخارا و افغانستان و مصر هم میرود ولی چون بلا واسطه نمی تواند با آن ها رابطه حاصل کند هیچ گونه اهمیتی بدان گونه تجارتها نمی دهند . چه دوام و بقای اینگونه تجارتها منوط باستحکام رابطه با آن دولی است که قیم بر آنها قرار گرفته اند

(واضحتر باید گفت)

این یاد داشت سفارتین بالاتر از هر گونه دخالتی است که تا امروز در ایران نموده اند ، این یادداشت سلب استقلال حقیقی از ایران می نماید ، این یادداشت ایران را در قطار بخارا و افغانستان و مصر میگذارد ، بلکه بدتر ، چه آنها تابع یک دولت و مطیع یک مرکزند و ایرانیان باید تابع دو دولت و مطیع دو مرکز باشند ، این یاد داشت محدود قبول ایران را به قسمت نهمه میکند و بطریق

نقشه ایکه دو زمین در معاهده بین خود کشیده اند ، این یاد داشت وجود سفرای خارجه را در ایران مهمل قرار میدهد و قیام سفرای ما را در خارجه مهمل ، این یاد داشت مقدمه قبضه بر قوه نظامی و ملی ایران است ، این یاد داشت ایران را از شاهنشاهی به امارت تنزل میدهد

(پس چه باید کرد ؟)

اولاً باید ایرانیان را به حقیقت و مضرات مکنونه این یاد داشت باستقلال مملکت و آزادی ملت نگاه ساخت و این امر اهم را در برده استوار نگذاشت و ملت را غافل و بی اطلاع ازین موضوع نداشت

دوم باید ایرانیان بدانند که باتسلیم به این یادداشت سائره اقداماتشان برای حفظ استقلال ایران نقش بر آب است ، باید بفرد فرد ملت حالی نمود ، سکه مرعوبیت را به یکسو نهاده در رد این یاد داشت سخت ایستاده از بذل مال و جان دریغ نمایند ، چه اگر این یاد داشت مسجل شد و ایرانیان از روی مرعوبیت تسلیم شدند سائره اقداماتشان در استقلال خود پیوده و بی مصرف خواهد شد

سوم - مقام مذبح ریاست روحانی اسلام و علماء اعلام ایران باید بدانند که هرگاه کابینه وزراء در جواب این یاد داشت تسلیم شدند ، این مملکت اسلامی ترک آزادی و استقلال ابدی گشته مسلمانان مانند قفقاز و ترکستان و اسپایا اسپرجه دیگران خواهند گردید و هیچ موفقی را برای حفظ بیضه اسلام و این مملکت اسلامی نازکتر ازین مقام ندانند و یقین کنند که هرگاه نصف نفوس ایران در این راه جان بزنند در طریق اسلامیت بصرقه مقرون تر خواهد بود ،

چهارم - کابینه وزراء بدانند که این گونه یاد داشت ها دارای هیچگونه اهمیتی نیست و بی سبب و جهت مرعوب شده دست و پای خود را گم نمایند ، و موقع نازک ایران را ملاحظه نموده استقلال مملکت را فدای حب مسند نسازند ، و خاتمه وزارت را در ایران بوجود خود ندهند و بدانند سینه اگر از روی وطن خواهی ایستاده جواب این یادداشت (نقشه در صفحه ۲۱ همین شماره)

بیا کی روسیه

(یا غلات بر ادوردگری)

فلاسفه عصر بر آنند که فارق بین انسان و حیوان آنست که انسان بالطبع قابل و مستعد از برای هر گونه ترقیات علمی و عملی و عقلی و اخلاقی هست بدون آنکه بحد معینی قناعت کند و بر حسب فطرت و خلقت در ارادات و ادراکات خود آزاد است، بخلاف حیوان که ارادات و ادراکات وی محدود و هرگز از آن اندازه معین تجاوز و تخطی نتواند نمود گاهی میشود که انسان با این استعداد بواسطه برده و سزات ظلمانی جهلیکه بر حواسش آویخته میشود وی را مانع از بی بردن بحقیقت خود آمده و از حدود ماده چون حیوانات پیشتر نتواند درفت در این صورت همه گونه مذات و مسکنت و پینوائی را تصادف خواهد نمود از این حالت در اصطلاح تعبیر بو حشیت نمایند

چنانچه وحوش از حیوانات همیشه اسیر و دستگیر انسانها هستند و از آنها منتفع میشوند این انسانهای وحشی نیز در بند و قید کسانیکه از سید آنها انتفاع می یابند خواهند بود

(اروپائیان ما مسلمانان و اهل آسیا را بهمین جهت وحشی مینامند یعنی میخواهند از همه جهت ما منتفع گردند نه آنکه انسان پرور و بشر دوست باشند و دلشان بر جهالت و بیعلمی ما سوخته و گرنه جلوگیری از حقوق طلبان ما نمی نمودند)

اگر این اغشیه جهل و اوهام از منظره عقل انسان بر طرف گردد می بینیم که این انسان مایک سرعت محیر العقولاه دروجات ترقی و تعالی را طی کرده در عرش کرسی برتری فرار خواهد گرفت در این صورت هیچ مانع و عاقلی در جلو حرکت ویسے خود داری نتواند نمود و مانند سبلی که از قله جبال عالیه سرا زیر میگذرد بسمت مقصود شتابان خواهد شد

تواریخ معتبره دنیا و احساسات وجداییه هر انسانی اکتشاف این سر طبیعت را بخوبی واضح و اشکارا میدارد در این مراتب فرق جنسی و صنفی و ملت و مذهبی لیاقت خود نمائی نتواند داشت چه آنکه صفات مذکوره را ابدأ راهی بحقیقت و

فطرت و استعداد انسانی نیست .

ایرانیسان جنیدی است که برده ضخم تارک جبرل و از پیشگاه چشم عقل بالا زده سلم ترقی خود را در مقابل می بینند ولی دو دیولانی قوی میکل انسان خوار را نیز پیش روی خود مشاهده میکنند که آنها را تهدید از بالا رفتن بآن نردبان مینمایند آیا میتوانند این دو نفر بارانه نمودن صور خریبه و هیبیه خود و منی در عزم آنان تولید کرده آنها را مرعوب خود نمایند، تا بلکه دو مرتبه بخواب غفلتشان رهسپار کنند ؟

تواریخ دنیا که آئینه اعمال و افکار ام ماضیه و جام جهان نامی حسنات و سیات ملل فابره و مشحون از اسباب و علل ترقی و تدنی اقوام سالقه است چنین مینمایند که جلوگیری از خیالات انسانها نتنجه جز زیان و خسران بجهت جلوگیری نتواند نمود

دولت انگلیس و روس که بگانه مانع ترقی ایران خود را نمایش میدهند نمیدانیم که چه تصور میکنند ما ابدأ از روسیه توقع همراهی را نداشته و نداریم و هیچ گاه بوعده های عرقوبی وی اطمینان نکرده و دلشاد نمیشویم، چه آنکه دولت مشار الیها گاهی خود را طرف دار انسانیت معرفی نموده بلکه عالمیات قصاب نوع بشرش اعتقاد دارند

دولت روسیه از نصایح حکمایه دنیا بغیر از مثل معروف (فایزالجسور بلده) گویا چیزی دیگر نشنیده، بی بواسطه پیروی همین نکته بود که بالآخره ناموس بطر اکبر را در شرق اقصی بیاد داد بحدیکه مطمع دیگرانش ساخت تا آنکه بالمجبوریه از حقوق صد ساله خود در (بالکان) صرف نظر نمود (عرب گوید) اسد علی و فی الحروب یفانم

دولت روسیه اگر این انصاف کشی را درباره ایران روا نمیداشت ممکن بود که بعد از کتر نصف قرن از همه منافع اقتصادی آسیای مرکزی بطور دلخواه کامیاب شود

ولی این حرکات غاصبانه وی در ایران دولت مشارالیه را منفور تمام مسلمین کره ارض بلکه تمام آسیائین ساخت

ما اگر فقط به بیجا وارد ساختن عساکر روسیه در ایران و بناء دادن عزه معروف و حیم خان

تمسك كردیم و تنها همین دو قرقه را سند تعدی روسیه بر حقوق ایران قرار دهم هر آینه محتاج بشواهدی دیگر نخواهیم بود

روسیه اگر انسان پرور است چرا بیچاره مسلمانان اتباع خود را هر روز در يك فشار و خطه تازه میکندارد، روسیه اگر بشر دوست است چرا ارامنه حق خواه را همه روزه بیای يك شکنجه تازه حاضر می سازد، روسیه اگر حافظ حقوق نوع است چرا بر پیود اتباع خود این مقدار ظلم روا میدارد گویا روسیه يك عداوت دیرینه بایران دارد که این طور بر اعداش کر بسته ولی بد بختانه در این خیال سوء خود بجز منفوریه عامه فائده نبرد روسیه خیال میکند که اقتضالات و اشاعات برخلاف واقع روزنامه نیویورکیسا میتواند حقوق يك مملکتی مثل ایرانرا پایمال هواجس و شهوات نفسانیه خود نماید

امروز اگر قلوب مسلمانان عالم را بشکافیم خواهیم دید که مملو و مشهون از تنفر روسیه است، این موقر را روسیه در قلوب عامه آسیا وقتی پیدا کرد که دست تعدی و ظلم بر حقوق ایرانیان دراز نمود چیزیکه خیلی جالب دقت و نظر ذره بنسان است همانا غفلت (سر ادورد گری) است،

این همراهی مذبذمانه سر ادورد گری با روسیه انار را در دریای حیرت متفکرانه و امیدارد، بواسطه همین شرکت دولت انگلیس با خیالات سوء روسیه درباره ایران آن قدر و منزلتیکه دولت مشارالها در قلوب ایرانیان بلکه عامه مسلمانان داشته و دارد متدرجا کاسته میشود

تقریباً چند قرن است که دولت انگلیس خود را طرف دار انسانیت جا ملین شناسانیده آیا بتازه گی چه روی داده که از این صیت عالم گیر صرف نظر نمود و با يك چنین دولت ورشکسته دشمن انسانیت و تمدنی دست بدست داد و کرا اعدام هزاران نفوس مظلوم حق گوی حق خواهر را بمیان بست عقول متحیر میباید دولت انگلیس قریب هشتاد ملیون در مستعمرات خود مسلمان موجود دارد، آیا این مسلمانان از حرکت ظالمانه روس در ایران که بسکوت امضائیه دولت انگلیس است دل خوش دارند . . . ؟ باید از خود آن مسلمانان امروز با فردا سوال کرد

حالت مستعمرات خیلی دقیق و رقیق شده آیا ممکن است که سر ادورد گری را غفلت زده باشد؟ اگر دولت انگلیس امروز نظر بمنافع مالی خود اندازد می بیند که منافع اقتصادی و سیاسی وسط آسیائی او منحصر بهمراهی با ایرانیان است نه دست بدست دادن با روسیان

آیا هیچ عاقلی تردید میکند که اگر يك دولت مستقلی مانند ایران در سرحد هندوستان واقع شود بجهت دولت انگلیس از همه جبهه بهتر و از مخاطرات محفوظ تر است ؟

آیا این تصرفات حقوق شکنانه روسیه در ایران استقبال هندوستانرا تهدید نمیکند؟ اگرچه ایرانیان مضرات این تصرفات فاصبانه روسیه را بخوبی فهمیده و ابدأ امضاء این تصرفات جا ترانه را نخواهند کرد، در این صورت آیا دولت انگلیس بنیر از بدنامی و خسران مالی در این میانه چه نتیجه تواند تحصیل نمود ؟

اگر بر فرض محال زیر بار ایرانیان تن بمرکات تجاوز کارانه روسیه بدهند آیا هندوستان از حمله روسیه جان سلامت تواند برد ؟

آیا سیاسات آینده دنیا سند قطعی بدولت انگلیس در پای بندی روسیه در خصوص معاهده ایران میدهد، آیا این قحطی و گرسنگی که تقریباً دو قرن است که روسیه را فرا گرفته چیزی بنیر از بچنگ آوردن هندوستان میتواند رفع گرسنگی او را بنماید؟ آیا حالت کنونی روسیه میتواند وصیت بطرکبیر را در خصوص هندوستان نسیاً منسیا فرض کند ؟

آیا این آب زلال معاهده میتواند آتش طمعکاری روسیه را از حمله بر هندوستان خاموش کند ؟

آیا هنوز سر ادورد گری ملتفت نشده که این معاهده خیلی از قدر و منزلت دولت انگلیس در انظار خودی و بیگانه کاست ؟

چه آنکه امضای این معاهده بعد از محذول و منکوب شدن روسیه در منجوریا بود، آیا مثل دولت انگلیس که امروز یکی از دول مقتدر عالم است معاهده با چنین دولت ورشکسته زمین خورده بستن و خود را همدأ یا سهواً منببون قرار دادش و بالاخره نام نیک خود را درالسنه و افواه دنیا مبدل بدنامی نمودن چه قدر میتواند اسباب کم شرف

هولتی مثل دولت انگلیس بشود؟ بی حرب گوید
(الجواد قد یکبوا)

اگر سر ادورد گریه از الصاف نگذرد و خیالات خلم در مغز خود نبرد می بیند که روسیه را خود دعوت بجمعه بر هندوستان میکند تمام اشاعات غفلت کارانه طمس را روسیه دارد بجان استقبال میکند

اگرچه مناسبات ایران با روسیه بیشتر است ولی با انگلیس دوستانه تر است. اگر دولت انگلیس در معاهده با روسیه که سرابای مبتنی بر تقاصب و شکست حقوقی ایران است اتفاق نمیکرد و از ایرانیان کمک مینمود هر آینه میتوانست که تمام منافع متصوره از ایران بدون تراحم منحصر بخود نماید و از خطراتی که امروز در مستعمرات بجهت او متصور است قدری آسوده بماند

من میخواهم که مناسبات دوستانه ایرانیان را با انگلیس شرح دهم. ولی همین قدر میگویم که بناهنگام شدن طهرانیان در سفارت دولت مشارالیه و مرارده داشتن بعضی از روحانیین با مامورین دولت انگلیس این نکته دوستانه را بخوبی شرح و بسط میدهد

اگر دولت انگلیس مواقع امروزه سیاست آسیا را نذر بین تدقیق ملاحظه نماید یک اصرار از روسیه که مبعوض تمام آسیا است میتواند در اندک زمانی خزائن جزایر بریطانیای عظمی را از منافع اقتصادی آسیا محلو سازد

روسیه هنوز آن باد ضرور و نخوت سابق را از سر بیرون نموده و با وجود این معاهده دارد بدسائس مختلفه و حیل متنوعه خود را در ایران خیرهخواه قلم داده دولت انگلیس را طالم غشوم نمایش میدهد

آیا سر ادورد گری میداند که روسیه قریب چهار ماه است که افکار ایرانیان را دارد بر ضد دولت انگلیس بر می انگیزاند؟

آیا دولت انگلیس تا کنون مطلع نشده که دماغ روسیه در ایران سرآ مشغول کار شکی دولت انگلیس هستند؟

آیا سر ادورد گری تا کنون فهمیده که روسیه روز اندر ایران قریب پنجاه هزار منات مصرف اراوه دادن حسن حرکات خود و سوء ماملات

دولت انگلیس میباشد تا بلکه بتواند بکسر تنفر ایرانیانرا از دولت انگلیس تحصیل کند.

تمام هم روسیه در ایران صرف پیش افتادن از دولت انگلیس است ما فقط نذکر یک دو شاهد در این مقام آکتفا میکنیم

در تاریخ یک ماه قبل که آقایان طلاب نجف اشرف مشغول اعانه جمع کردن بجهت ایران شدند حضرات طلاب قفقازی نیز میل شرکت در این امر خیر داشتند. ولی از مواخذه قونسول روسیه در بغداد واهمه کردند. تا بالاخره از خود قونسول استمزاج کردند. مشارالیه جواب طلاب قفقازی را تلگرافاً بدین مضمون داد (که مشارکت کنید با ایرانیان در اعانه دادن) و نیز چندی قبل کاعندی بسید کاظم یزدی نوشت و موسی الیه را تحریر و ترعیب در همراهی با مشروطیت ایران نموده بود در حالتیکه از طرف مامورین انگلیس ابداً اقدامی نشد. مامورین دولت انگلیس حرکات روسیه را تمام حل بر صحت میکنند. ولی ماها میدانیم که روسیه در ایران و خارج ایران بجهت کار مشغول است. بدبختانه اسباب طبیعی نیز روسیانرا مساعدت میکند و تنفر ایرانیانرا از انگلیس مندرجاً فراهم می آورد

باز در تاریخ دو ماه قبل قونسول انگلیس مقیم بغداد به بعضی از دسائس و حیل در وجه خیرات (اوده) که باید بتوسط مشارالیه بمجهت بدین عراق حرب برسد تصرفات غیر مشروع نمود. مقالات منبجه ریاست روحانیه مثل آیات الله آقای خراسانی و مازندرانی و آقای صدر و غیرهم انکار آن معنی و تصرف بیجا و بغیر حق را نمودند. این حرکت قونسول انگلیس تولید یک سوء ظنی در روساء بزرگ روحانین نسبت بدولت مشارالیه نمود

بهر حال ما امید داریم که اعلیحضرت جارج پنجم که امروز سربر سلطنت بریطانیای عظمی را بوجود خود زینت بخش نموده اند. مضرات همدستی با روس را در اضمحلال ایران بخوبی ملتفت شده فوراً بازگشت بطرف حمایت فرمایند و این دولت بزرگ با شرف را از زیر بار تنگ این بدنامی و بیشرقی وهائی بخشند

(حسین الموسوی القزوینی الحائری)

انحاد ملی یا شخص نادری در کار است
 هرگاه در طبایع قومی خرابیهای اخلاقی و ارتباطی
 جاگیر شود اصلاحش فوری امریست مشکل ، نه تنها
 نهال خرابی اخلاق در ایرانیان بتدریج نشو و نما
 یافته بلکه ریشه اش بسیار عمیق رفته است ، اگر
 خواسته باشیم نخبینی در خرابیهای اخلاقی پیدا کنیم
 اول باید مادتها و احساسات مخصوصه مردم را تبدیل
 دهیم و این کاریست که اگر آغاز بدان کرده شود
 در نسل موجوده یا در مدت عمر يك نسل انجام
 پذیر نیست الا اینکه خود مردم نیز بکوشند و در
 بی اصلاح خویش بر آیند هیچ مقنی نمیتواند این
 خصایل فضیحه و مادتهای قبیحه را که در خیر قومی
 سرشته شده است فوراً زایل و بر طرف نماید هر قدر
 هم حسن انصافش کامل و قصد و اراده اش پاک و
 خالص و عزمش عادلانه باشد

خردان و زیر دستان قومی همیشه بزرگان قوم
 و صاحب منصبان دولتی را سر مشق و مثال برای
 خود قرار میدهند و در هر امر پیروی از آنها
 میکنند ، و چون حرکات ذمیمه و افعال قبیحه از
 بزرگان سر زد و برش و سوال و محبت ازاتی در
 مقابل آن افعال در میان نباشد خردان و زبردستان
 نیز بهمان طرز و روش عمل میکنند و در چنین امور
 جری میشوند و از این رو خرابیهای گوناگون در
 نظم و نظام هیئت اجتماعیه پیدا میشود ، ملازمین و
 نوکرها از آقایان خود رسم ظلم را می آموزند و
 رعایای بیچاره را باقسام زجر و فشار مبتلا می سازند آری

(اگر زباغ رعیت ملک خورد سبی)

(بر آوردن غلامان او دوخت از بیخ)

و چون این قاعده تا دیر باز جاری بماند رعایا
 عادی بظلم شده بزدل میشوند و آن جلادت که فطری
 قومی است مبدل بچمن میشود یا آنها را به تنگ
 آورده و ظالمین میشود ، هر حال هرگاه قومی
 دیگر برین رعایای ستم دیده حمله کند یا پورش نماید
 دست و پای خود را گم میکنند و راضی بحمل ظلم
 دیگران نیز میشوند یعنی مرعوبیت در قوم پیدا و
 حس غیرت از آنها سلب میشود و حمیت آنها را
 وداع میکند و تنگ بیختری را بر خود هوار میکند
 و اتحاد قومی از میان میرود فئاق و فتنه بردازی و

نامی جای آن صفات خوب را بگیرد
 رسم و رواج استبداد که سالها و قرنها در ایران
 رایج بود مردم آن مملکت را با بحال رسانیده است
 که نه اتحادی در آنها دیده میشود نه جرئت ، ما
 نمیکوئیم منفرداً اهل ایران جری و بردل بستند ولی
 بسبب مخالفتهای باهم و حسد و فئاق جرئت مذقّه
 آنها کاسته و سبب جرئت و تطاول همسایگان ما
 گردیده است ، پس باید درصدد اصلاح کارها بر آئیم
 تا رفع این خرابیها شود و ملک و ملت ترقی نماید

موقع و مقام هر ملتی در میزان تاریخی و وقوف
 بر مناسبت موقع ممالک همسایه اوست ، همسایگان
 ایران مملکت ما را بازار منفعت اندوزی و جولانگاه
 فتح و فیروزی خود شناخته و بجهت جلب منافع
 خود دو اسبه بدان سامان تاخته اند و ملت ایران را
 هر قدر بیشتر مرعوب یافته در لغت گردنش زیادتو
 ریش و گیس بهم بافته اند ، رعایای این سر زمین
 نیز از سختیهای بی در پی حکام جور و استبداد
 بکلی دل سرد شده اند ، ولی اگر زمانه مهلتی باین
 ملت بدهد در اندک زمانی با همسایگان خود بجهت نرم
 خواهد کرد ، چون آنها نیز این امر را بخوبی
 دانسته ازینست که روز بروز میکوشند تا بهر طور
 باشد ما را اسیر خود سازند و باقسام فشار ما را
 در شکنجه نهاده اند ، ولی - این خیال است و محال
 است و جنون ، همین فشارهای بیجای آنها ایرانیان
 را آماده مدافعه و مقابله خواهد ساخت

(ندانی که چون گربه عاجز شو -)

(بر آرد بچند گال چشم پلنگ)

و همینکه بر همه اهل ملک واضح گردد که
 خیال همسایگان درباره وطن آنها و خود آنها
 چیست ، و بر بزرگان قوم و ملت و عشایر و قبایل
 حالت اصلی میکشوف گردد و امر مشتبه نماید
 یکباره بجنبش آمده دست بهم خواهند داد و اتفاق
 کرده همان روز کار را پیش خواهند آورد که در
 زمان نادر شاه انشار پیش شان آمد ، ژو و کویوس
 قیصر روم نزد خود اصولی برای فتح کردن اقوام
 قرار داد و آن این بود که (تفرقه بینداز و فتح
 کن) حالا همسایگان ما نیز بهمان اصول مطابق النمل
 بالنمل عمل میکنند و تفرقه در میان طبقات مختلفه

وایا و عشایر و ایلات ایران می‌انگازند تا اینها را بهم انداخته ضعیف نمایند که کار خود شایسته آسان تر بشود، اما در ایران ماده مدافعت همه قسم موجود است نقطه انظار شخصی است که قدم جلو گذارد و این عناصر مختلفه را با هم امتزاج و ترکیب و ازین اجزاء مرکب جدیدی ترتیب دهد و روح تازه درین اجساد نیم مرده بدمد و آنها را بمرکت آورد، این حرکات همایگان ملت ایران را نسبت بآنها سخت تر میسازد و بجهت مدافعه مستعد تر میکند، و اگرچه الحال بظاهر آنها بنظر حقارت در این ملت مینگرید ولی در باطن خایضه که مبدا درین نزدیکی ایران با بدایره ترقی و تمدن گذارد و آنچه از او بمرکز و شید و فشار گرفته اند بزور از آنها باز ستاند، خصوصاً درین زمان که در همسایگی ایران دوات بزرگ عثمانی نیز مشروطه شده است و این هر دو دولت اسلام اند پس قرب و همجواری دو دولت بزرگ اسلام و هم سرحدی افغانستان مشغله را برای همسایگان مشکل میسازد، و چون استظهار هفتاد میلیون مسلمانانند که رعایای بک همسایه اند و چهل میلیون مسلمانان بخارا و تاشقند و ترکمانیه و قفقازیه و سرحدات جنوبی جنوبی روس باین سه دولت اسلام یعنی عثمانی و ایران و افغانستان اشتراک سرحدی نیز در میان است، امید قویست که در همجواری و قی اتحاد جمله اسلامیان رعب و خوفی در قلوب همسایگان ما بیندازد و آنها را از پیش قدمی باز دارد، همینکه کارهای ایران فی الجمله قوام گیرد، و انشاء الله تعالی عنقرب این مقصود حاصل خواهد شد، چه که ما بدورین سیاسی این صورت را معاینه می‌بینیم، در آنوقت فاتحه خیالات همسایگان که درباره ما دارند خوانده باید گرفت.

ما بندای بلند میگوئیم که امید نجات ایرانیان مخصوصاً در همین است که تمام عشایر و قبایل و ایلات و اهالی بلاد همه دست اتفاق و اتحاد بهم دهند و بیک جنبش غیورانه قدم در میدان جلاوت نهند و بامداد مادر عزیز وطن برخیزند و خود و وطن خود را ازین رقیبت ناموس شکنانه آزاد نمایند اول باید باصلاح حالت خویش پردازند و تقایص و خرابیهاییکه در آنها بررور مرور پیدا شده آن

را از خود دور سازند تا همسایگان و دول خارجه را موقع مداخلت حاصل نشود و ما را بحال خود وا گذارند، خداوند عالم در قرآن مجید میفرماید و این حکم ایزدی برای ما سر مشق است تا حالت موجوده خود را تغییر دهیم و ازین گرفتاریها و راهیم، قوله تعالی شاه، ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینیروا ما بانفسهم

﴿ نقل از روز نامه شریفه تشرق ﴾

(از زمان باید عبرت گرفت)

(لایحه ایست که صیبه مرحوم آقا شیخ هادی

در انجمن محترم نسوان (چهار راه مرحوم آقا شیخ هادی) در طهران قرائت نمودند

مقدم شریف عموم خواتین غیرتمند معارف پرور و تبریک و تهنیت گفته و از تشریف فرمائی آن وجودات محترمه در این دائره اخیت کمال تشکر و امتنان باطنی خویش را اظهار میدارد

پس از مراسم تحیه و سلام خاطر نشان خواتین با عز و تمکین مینماید که در اولین جلسه این هیئت مقدمه کینه لایحه مبنی بر نتایج حسنه اتحاد و اتفاق و حسن وطن پرستی قرائت نموده و مدلل داشتم که این جمله ممکن نیست مگر به تحصیل دانش و ما جماعت نسوان بلکه عموم ایرانیان کاملاً بدرك آن مقامات عالیه موفق نخواهیم شد مگر آنکه در راه کسب معرفت و بینائی منتهای مجاهدت را نایم و جوش از قافله عقب مانده ایم و منزل هم بس دراز است باید دو اسبه بتازیم شاید کلیم کهنه خویش را از آب خارج سازیم

ای خواهران عزیز اگر غلط نکنم مردهای ما هم چندات واقف به نتایج حسنه اتفاق و اتحاد نیستند زیرا که در این حال بمران مملکت چرا باید وزرای ما که حیات این ملت بسته بحسن تدبیر آنان است دست بدست هم ندهند و موانع خارجی را رفع نمایند و بر قوای داخلی نیزایند در صورتیکه امروز تمام قوای اجراییه مملکت با آنهاست و مانع داخلی در پیش ندارند

ما جماعت نسوان هم اگر از راه دانش تحصیل حسن وطن پرستی نموده بودیم با یک بیان رقیبت آقایی را که امروز قائد قومند و سر نوشت نیک

و بد آنکه مملکت کبان بسته به تدایر صائبه ایشان است مخاطب نموده می گفتیم

ای وزرای عظام و امرای فغان، معارضه و مناقشه شخصی را کنار گذارید و از این استغفاهای بارده صرف نظر فرمائید و فکری بحال آنیه دختران ناز پرورد خود کنید که مانند دختران مصر و سودان و قفقازیه و گرجستان اسیر این و آن نشوند ای خواهران عزیزم اگر ما دانش داشتیم و از بحاری امور مطلع بودیم می توانستیم ساحت مقدس وکلای عظام و مجلس را مخاطب نموده بگوئیم مدت اقامت قشون خارجی در مملکت ما تا کی خواهد بود و این توقف برای چیست، ذو ذنب ها که دست از سر اهل عالم برداشت این ذو طمع ها چرا دست از سرما برنهندارند، اگر بهاء جوت کرده می گویند بلاد شما نا امن است، چرا کذب این قول را بر تمام طالبان مدلل نمی نمایند و بتوسط سفرای فوق العاده پارلمان های معطمه عالم را گواه بر حقانیت و صدق قول خود نمی گیرید؟

دیگر آنکه چرا وکلای عظام ما ترتیب قرض داخلی که در لمس تصویب شده معمول نهندارند در صورتیکه اغلب ولایات عمالک محروسه خود داو طلب دادن امانه و قرض می باشند

باوجود آنکه امروز کلیه اختیار بدست خود شاست و مانی در اصلاح نمودن امور داخلی خویش در پیش ندارید چرا تمام امور معوق و تکلیف تمام دوائر نا معلوم است، بلایه چرا این قسم مهمل است که فریاد مردم برای تحصیل نان باسنان میرسد و از کثرت جمعیت و ازدحام در دکا کین خبازی بیم آن است که باقسام مختلفه مفسدین حیلله وورزیده و اسباب فساد می فراموش آوند و بهانه بدست اجنبی دهند، و چرا و چرا است و یک دنیا محسر

ای خواهران عزیز من تمام این بد بختی ها از عدم اتفاق و اتحاد واقعی است و منشاء آنهم جهل و بی علمی عامه مت است - مثلاً اگر ما علم داشتیم و دارای اتحاد و اتفاق حقیقی بودیم میدانستیم امروز امانه دادن به برادران و خواهران اردبیلی و کک مالی نمودن در این تنگنای بی بولی از اولین

فرایش ما خواهد بود، چه حفظ حدود و نفوس مملکت ممکن نیست مگر بسوق عسکره و سوق عسکره میسر نشود مگر بدادن بول، اگر ما خود را ایرانی میدانیم و این آب و خاک را مختص خود می شماریم ماچار باید اسباب نگهداری آن را فراهم آریم و در تعمیر و مرمت آن مطلقاً دقیقه فرو گذار نمانیم باری سخن بطول انجامید و اسباب تسکین گردید و در ضمن هم واضح و مبرهن گشت که اسباب نجا - و رستگاری هر ملت به اتفاق و اتحاد واقعی است و درک این مقامات هم ممکن نیست مگر به کسب دانش و علوم و هوالواقف بمخایق الامور والسلام والا کرام

اوضاع حالیه

قشون روس - امنیت نقاط شمالی

صفحه آذربایجان بهمت اردوی کیوان شکوه حکومت ملی از لوث وجود اشرار بلرزه پاک شد دست های افساد خارجی کلیه مقلوع گردید دیگر هیچ بهانه برای دولت همسایه شمالی ما باقی نمانده از هر حیث امنیت و اطمینان به بقای امنیت در صفحه آذربایجان موحود گردیده

در اینصورت توقف قشون روس در ایران بیجوجه جایز نیست اقامت قشون باعث اختلال حواس دولت و ملت و نقض دوستی است

ملت ما میتواند به بیند يك عده ناخواسته با بروی حجب بلذیکی گذارده من دون حق درخانه ناموس ما اقامت نمایند، خاک مقدس قبول نمیکند خارجی بای حق شکنانه بروی آن گذارد

دول اروپا باید منسوخیت و عدم اعتبار کلیه قواعد و قوانین را که برای تعیین حقوق دول و استقرار صلح و مسالمت در این مدت تدوین شده اقرار کرده استقلال چند هزار ساله ما را انکار نمایند و یا اینکه بفریاد مظلومان ما لیبیک گفته در اخراج قشون روس با ما هم صدا بشوند

ما از دول بی غرض عالم امداد نمی خواهیم مساوت متوقع نیستیم فقط توقع يك توجه منصفانه و يك تصدیق بی غرضانه داریم

ملت ما صغیر و کبیر انان و ذکور دست از حیوة وزندگانی خود شسته منتظر ایفای عهد دولت روس و احساسات منصفانه سایر دول هستند

با توقف قشون روس ما نه زندگی میخواهیم
 و نه طالب زندگانی میباشیم و نه قوانین صوفی را
 معتبر و لازم الاجرا میدانیم و نه دول اروپا و امریکا
 را دول منصف و متمدن میشناسیم
 دولت روس در این چهار ساله بناوین مختلفه
 بمقوق حقه ما تعدی کرده هیچ وجه رعایت دوستی
 و همسایگی را ننموده ماقبت هم بدست آویز السایت
 قشون بملکت ما وارد کرده این انسایت منتهی
 بتضییع حقوق انسایت و سلب اعتبار انسایت
 گردیده است
 ما قشون آن دولتی را که ملاحظه حقوق و
 صلح و دوستی و همسایگی و قانون و صحت بلندی
 نکند نه بخود بلکه بصوم اهل عالم نامحرم میدانیم
 و چنین اشخاص را نمیتوانیم در مقابل چشم خود بینیم
 هرگاه نتوانستیم خارجشان بکنیم از صغیر و کبیر
 و امانت و ذکور خود را نیست و معدوم میسازیم
 علت نامل و تحمل ما در این مدتی که قشون
 روس در مملکت ماست همانا اعتبار بقول دولت
 روس بوده ، این انتظار ملت ما را در این مدت ساکت
 نموده والا خون ابرایت ما اینقدر هم فاسد نگردیده
 غیرت ما این اندازه باخر نرسیده که در یک چنین
 موقع نتوانیم حقوق خود را حفظ نمائیم زنده مانیم
 استقلال خود را از دست بدهیم
 ایران ملک طلق ماست ، ابرایت نتیجه حیوة
 ماست ، فرمان مالکیت ایران از دفتر خانه مبارکه
 طبیعت بنام ما صادر گردیده ، این قطعه مقدس از
 بدران چند هزار ساله با اوث رسید ، هیچ دولتی
 نمیتواند این مالکیت را از ما سلب کند ، هیچکس
 قوه ندارد بمقوق حقه مسلمیه ما تعدی نماید
 ایرانی با داشتن حکومت استبدادی اوقاتی که
 منبع حقوق قوه جهانی بوده قوی حق صغیر را
 پایمال میکرد ، وطن خود را حفظ نموده ، موقعی که
 حکومت ایران مشروطه گردیده ما بین ایرانیان و
 سایر ملل قانون حکم و حاکم شده ، آیا نمی تواند
 حقوق خود را حفظ بنماید ؟
 به ، به ، بجه تصور باطل و چه خیال فاسد ،
 طبع یک حیوان ضعیف قبول نمی کند حیوان دیگر
 به لانه او سر زده وارد شود ، آیا طبع انسان های
 ایران قبول می کند دیگری در خانه ناموس آنها

اقامت بنماید ؟

آیا ما کتر از حیوانیم ؟ پس انسان نمی باشیم .
 آیا ما حس نداریم ما نمی توانیم این تصور را بکنیم
 که دولت روس از دوستی و همسایگی و منافع اقتصادی
 بالاخره از همه چیز صرف نظر نموده پیش از این
 قشون خود را در ایران اقامت داده بیشتر از اینها
 باعث آزرده کی خواطر ما خواهد گردید قول خود را
 از اعتبار خواهد اداخت

ما همان عهدی را که دولت روس در وقته
 آذربایجان منعقد گردیده و با آن عهد قشون با ایران
 وارد کرده معتبر دانسته از دولت همجوار خود
 ایفای آن عهد را خواستاریم باز می گوئیم بیشتر
 از این ما بدیدن قشون روس طاقت نداریم

نقل از روزنامه شریفه استقلال ایران

(یک بیان سزاوار پرستش)

سردار آزادی پرست ابرایت (وزیر جنگ
 امروزه ما) دیروز یک بیان سراپا شرافتی
 بزرگی و جلالت گوینده را حکایت میکند کرده گفت
 من خود را بر هیچ یک از آن کسانی که در راه
 آزادی و استقلال وطن عزیزم فدا کاری و مجاهدت
 کرده نمی توانم امتیاز بدهم

آن روز که ابرایت به جانبازی و فدا کاری
 فوق العاده احتیاج داشت من و آن دیگر اشخاص
 فدا کار هر دو در میدان آزادی خواهی از خود
 گذشتگی ابراز نموده در راه مساوات جانبازی کردیم
 امروز من نمی توانم قسمی کنم که هم فدایان
 من مرا از جاه طلبان ریاست پرست گفته قلم
 مورخین دنیا بنویسد سردار اسعد ریاست را پرستش
 میکرد

من باید یک چند چنانکه و جدانم حکم میدهد
 ریاست اسمی را کنار گذارده نشان بدهم که بدون
 ریاست نیز چگونه فدای آزادی و استقلال ایران
 خواهم بود

اگر در یک کتیبه تاریخی قلم با انصاف نویسنده
 بخواند این بیان تاریخی را بنویسد بحکم انصاف و
 حق شناسی باید با یک قلم جلی و بخط طلا نوشته
 در خانه اش بگوید

این گوینده یکی از آن مردمان بزرگی است
 جلالت و بزرگی خود را در ضمن بیان

نشان داده وطن پرستان يك مملکتی را از يك
همچه عقیدتی امیدوار کرد
ما نظریاتی که در خصوص کناره جوتی از
سنت رسمی داریم در این موقع اظهار نکرده در
آتی شرح خواهیم داد

جبل‌المتین

عقیده ما در حق سرداران ملی و مجامدین
حقیقی که موسسین مشروطیت ایران‌شان باید گفت
هماره این بوده و خواهد بود و با آن عقیدت
کاملی که بایشان داشته و داریم و با آن اطمینان قلبی که
بوطن خواهیشان داشته بارها اظهار کرده ایم
که سرداران ملی ما هرگاه از ریاست کناره جویند
مانند بسارک بهتر و بیشتر از ایام ریاست خودشان
خدمت بوطن نموده در پیشرفت مقاصد ملیه صرف
همت خواهند فرموده اینک هم عقیده خود را بیان
میکنیم که برای رفع شبهه از عدم و نشان دادن
بالمیان سردارین را لازم است که چندی بظاهر
از کار کناره گرفته و در باطن عرابه سلطنت را
بگردانند و آن همه افتخارات شخصی خویش را
بر افراد قوم هدیه فرمایند

مراغه

چون این بنده در هیجده سالگی شش سال
در مدارس روس تحصیل کرده و از خیال
جغرافیای ایشان کما یلیق در باب ایراف اطلاع
بهرسانیده آن اوقات که دولت ما مستبد بود این
درد را در دل پنهان میکرد حال که بر تو خورشید
مشروطیت ساحت ایران را منور ساخته با آواز بلند
میگویم - روسیان باید از خیال ناطل بطرکیر بگذرند
والا در ایران هم مستند جماعتی که نقشه امیر کبیر
میرزاقلی خان را پیش نهاد کرده بملاوه يك بولتیک
جدید آنها اتحاد با آلمان است ، اگرچه اینهم بر
واضح است بعد از چندی اخلاف ما از آلمانیها
آنچه را که ما در صد سال قبل از همسایگان
شمال و جنوب کشیده ایم خواهند کشید ولی چاره
نیست ، خدا نیامرزد مصادر امور گذشته ایران را
که آنقدر ملت را جاهل گذاشته که مشکل است
بدون اتحاد خارجه ترقی نماییم ، چونکه کارد باستیخوان
رسیده است مردان غیور ایران نموده اند ، ابدأ

نمیگذاریم دست اجانب بدان منعت مادر مان برسد
همه کفن بوش در استقلال وطن خودمان خواهیم
کوشید ، روسیان از ریختن این خونهای ناحق و
از خیالات جلادانه خودشان منصرف بشوند ، ما
تأماً می‌بریم و یکوجب از مملکت خودمان به اجانب
نمی‌دهیم ما مجبوریم از اینکه هرکس در بی اضمحلال
استقلال مان بکوشد با او جنگ ملی بکنیم ولو از
سه طرف هجوم آور باشند ، یا اینکه مملکت خودمانرا
حفظ میکنیم یا تمام مرده خاک خالی را به همسایگان
می‌سپاریم ، انالله وانا الیه راجعون

چنانچه در عید نوروز مدرسه را تعطیل نکرده
بودم صد نفر شاگرد چهار نفر از میان خودشان
انتخاب نموده و عریضه منصلی نوشته نزد بنده آورده
علت عدم تعطیل مدرسه را بواسطه همان چهار
نفر استفسار نمودند چرا عید ملی ما تغییر یافت؟ بنده
تمام شاگردان را جمع نموده طلق منصلی به حضور
شان دادم و در آخر علت همان بودن قشون
اجانب را در مملکت خودمان اظهار کردم ، همه با
یکصدا گفتند که کفن حاضر بکنید برویم یا قشون
اجانب را از مملکت خودمان بیرون یا تماماً
کشته و مملکت پاک اسلام را از قشون
خارجه تمیز کنیم ، بنده هم با صایح مشفقانه
به ایشان فهایدم که معلوم است حفظ مملکت در آتی
بدست شما خواهد بود ، ولی حالا وقت وزمان
مقتضی نیست ، که شما کفن پوشیده بجنگ اجانب
بروید ، وضع بولتیک با چنین می‌فهماند سکه باید
اینکارها را در اینزودیا بطهور برسانیم ، زیاده از
این تاب و تحمل نداریم ، هیچوقت نمی‌گذاریم مملکت
ما مثل مصر و بخارا بشود ، ایران باید در دست
ایرانیها باشد لاغیر ، محمد حسین علیزاده

واقعه غیر مترقبه

روز ۲۲ و ۲۳ يك اعلان چاپی از طرف
جنرال قونسول انگلیس بدرب قونسول خانه نصب
شد که خلیل شباخت داشت باعلائی که روسها در
قزوین انتشار داده بودند (یعنی هموئیت تراق در
قونسول خانه) این اعلان که برخلاف انتظار عقلا
و موشندان بود موجبات هیجان اهالی مشهد را
کاملاً فراهم ساخته و احساسات ملیه و اظهارات

ائتلافیه هموم اهالی را درباره انگلیسان دگرگون ساخت . آنچه بزبان روسیان شهرت یافته همانا انگلیسان در نصب این اعلان دو مقصود داشته اند که در هر دو مقصود و در بخیال خودشان میخواستند خدمتی بروس ها کرده باشند . بعضی چنان میگویند که اول انگلیسها این اظهار را بروسها کرده و نصب یک همچو اعلان را از آنها خواسته بودند روسها بواسطه منوریتی که از ایرانیان دارند ترسیدند که این مسئله هم بر نفس اهالی افزوده و باز جراید بسدا آیند ، و انگهی دیدند که این حرکت در قزوين چندان فروغی نه بخشید این بود که قبول نکرده و انگلیسان مجبور شدند که خود بدین امر اقدام نمایند ، و اصل نقطه نظریه آنها گویا این بوده است که اکنون که اطراف جنوب خراسان بواسطه سارقین فارس درهم و برهم است بعلاوه درمیان ادارات مشهد هم بواسطه اجرای اغراض تزار کای و دویت شدید حادث گشته و اخبار جلیله نیز هر روز از طهران آمده و عوام را سخت مشوب الخیال ساخته ، و بعضی آقایان هم با قول کامل برای همخیالی با مغربین و فتنه انگیزان حاضر شده اند . بواسطه احداث اندک هیجان درمیان عوام میتوان بتوسط دستهای غیبی ماده را مستعد کرده و همچنان مردم را امتداد داده و بالاخره نتیجه هیجان را چیز دیگر جلوه دهند ، مخصوصاً شورش نیشابور هم که تازه اختتام یافته تجدید شود و یک دانه تمام خراسان دارای یک هیجان شده و روس ها را بهانه گران بها بدست آید ، و انگاه انگلیسان نیز بهانه اغتشاش حدود (سیستان) و (نه بندان) و طیس و حرکات سارقین متمسک بهانه دیگر شده و از دو سو فشار آورند ، و این خود یکی از تهدیدات تازه باشد که درقبال احرار و منکرین استقراض از دولتین پیش نهاد کرده باشند بهر حال انگلیسان بهمین خیال یا خیالات دیگر اعلان مزبور را نصب کرده و هموم اهالی را برای رفع دعوی و ترافع و محاکمه بقونسولخانه خودشان دعوت نمودند ، ولی چون مردم خراسان تاکنون از انگلیسان این نوع حرکات را ندیده و منتظر چنین پیش آمدی نبودند اندک هیجان مسکوره ولی باطمینان درست کاری انگلیسان خواش شد و از کارگذاری

توضیح خواستند . اداره کارگذاری هم بقونسولخانه انگلیس بیغام داده و در این مسئله پروتست کردند و قلع اعلان مزبور را جداً از آنان درخواست نمودند . قونسل انگلیس هم تجامل عارف ورزیده و در جواب کارگذاری چنین نگاشته بوده است . که مقصود ما از این اعلان فقط تبه انگلیس بوده است و اینکه در اعلان لفظ تبه قید شده است همانا اشتباه شده و اینک حاضریم که اعلان مزبور را کنده و اختطاری بجایش نصب کنیم که رفع شبهه اولیه شده و کدورت مردم را از خود سلب نمائیم ولی حرف این است که تبه انگلیس در خراسان ممدودی پیش نیستند و آفات هم حزه احزا و اعضاء قونسولخانه خودشانند . چنانکه زمانی که اتباع دولت روس بواسطه اغتشاش مشهد بر سر در خانها شایع بپرق مخصوص زده اتباع دولت انگلیس هم بآنان اقتفا کرده بودند ولی متأسفانه در تمام شهر مشهد فقط دو خانه بود که بپرق انگلیس را بر سر داشت آب دو خانه هم متعلق بدو نفر افغانی بوده در اینصورت ما بهیچوجه نمیتوانیم این عذر را به بپذیریم (باری کارگذاری نیز اظهارات قونسول انگلیس را پذیرفته و قانع شد و اختطاری تا نوبی نیز از طرف جنرال قونسول انگلیس نصب گردید

(صورت اختطاری تا نوبی)

بعضی احترام خواهش جناب کارگذار اعلان اول نسخ و تغییر داده شد ، مجدداً اختطاری میشود که این اعلان غیر رسمی فقط برای اطلاع اتباع دولت فخریه انگلیس نصب شده که دفتر جنرال قونسولگری انگلیس از ساعت ده الی ساعت دوازده روز برای رسیدگی باظهارات مخصوصه اتباع دولت فخریه انگلیس سوای روز های جمعه و شنبه و یکشنبه حاضر و مفتوح است

(اعضاء میجر ادکان - جنرال قونسول دولت فخریه انگلیس مقیم مشهد)
 ادارات مشهد

(۱) اداره ایالتی - رکن الدوله حکومت خراسان را با یک ضف مزاج و اعتدال مانی از صرعوبیت های سافه براه میبرد ، این همه آواز هارا مقلب رفتار خود نمی بنماید ، روس ها را خیلی دوست

میدارد. چنانکه از ابتدای کارم بدست یاری آنان بحکومت اخیر منصوب شد و از يك موقع همچنان ملت بر علیه محمد علی میرزا نجات خود را بحصین قونسلخانه روس دانست. اهالی خراسان هموماً این نكته نانی را دریافته و چندی قبل بذریعہ مجلات مهوره و تلگرافات پر درین بامضای تبحار و غیر هم عدم وصایت خود را از حکومت مشارالیها یش نهاد دارالشورای کبری و وزرای عظام کرده و منتظر نتیجه هستند.

معاون ایالت جناب ظهیرالسلطان است این شخص نیز با طبع اعتدالی است، ولی چون تربیت شده و بروی کار آمده عهد جدید است در امور بهتر از دیگران غور رسی مینماید. و اگر مخالفت او با معتد الوزاره رئیس نظمیہ و حرکات او نسبت بمشارالیه نبود هر آینه اهالی خراسان او را بهتر دوست میداشتند

رئیس کابینه ایالتی - علاءالسلطان مسلکس بر بد نیست بکارها با تامل داخل میشود

(۲) اداره عدلیه - رئیس عدلیه آصف الملک با يك حجب و تالی فوق العاده خود را نمایش داده ولی متاسفانه امور عدلیه را هم بهمان روش میخواهد پیش ببرد. شش ماه است که بتدویر اداره عدلیه میپردازد و ابدأ صورت حساب جمع و خرج آن اداره را بهیچ طریقه ارائه نداده و تا یک هفته قبل بهیچیک از اعضا نیز حقوق نرسانده بود و حال اینکه دخلش بیشتر از تمام ادارات مشهد است بنا بر این اجزا بصد آمدن و یکی دو روز هم در صدد تعطیل اداره بر آمدند و بانجمن ایالتی شکایت پیش نمودند و از آنجا بر رئیس عدلیه سخت گیری شده لذا تربیتی سردستمالی برای حقوق اجزا معین کرد. باید دانست که در دفتر عدلیه خراسان (ملاحظات) مقدم بر همه (آنت) هست.

مجنی میرزا که درجات وحشیگری و سنگاری او سبب بید ابراهیم کوه سرخی جزء تواریخ این عصر محسوب است و بحکم عدلیه و تصویب کتبی آقا زاده آقای آیت الله محکوم بصرب با صد تازیانه و دادن هزار تومان بورنه سید مقتول و حبس ابد درکلات شده بود. پس از اجرای حکم اول مدتی در نظمیہ محبوس بوده و کسی نمیدانند چه گره رقصانده شد

که رئیس عدلیه از اجرای باقی مواد مجازاتیه جنم پوشیده و مجنی میرزا نیز دو روز قبل آزادانه بطرف تربت که برادرش حاکم آنجا است روانه گردید (جنم باز و گوش باز و این ها)

(ناظم از جنم بندی خدا)

(۳) اداره استیناف. رئیس استیناف مجیرالدوله از مردمان چیز فهم قدیم ایران است. لدیالورود بهیدایش يك اداره منصفه اقدام کرده و بتوسط لواج ضدیت خود را با عدلیه آشکار ساخت. چنانکه در چند روز قبل کاغذی بانجمن ایالتی نوشته و در آنجا شرحی از عدم همراهی اداره عدلیه با اداره استیناف نگاشته ولی در تلوآن نوشته عباراتی قدیمی درج کرده است که خجالت میکشم ذکر کنم و آن نوشته عیناً در یکی از نمرات جریده طوسی درج است و مراتب خصومت و دویت او را با رئیس عدلیه مبرهن مینماید

(۴) اداره نظمیہ. معتدالوزاره با يك جنبه حریت ریاست نظمیة خراسان را بعهده گرفته و الحق فشنک از آب بر آمده است. این مرد از اعتدال جویان اعتدال کس بفراسخ گریزان است. منشی عالی و روش متعالی دارد کارهای واجبه به خویش را با نهایت متانت انجام میدهد گرچه گاهی هم تند میرود ولی بتقیده عقلای امروزی فصاحت و تندمی ولو دخالت بامور دیگران باشد بهتر است از تبیل و کسالت که بامور خویش هم نرسند. مردانه پیش آمدن این انسان رؤسای سایر ادارات را خجل کرده و بر علیه او وادار نمود. چنانکه در چند هفته قبل در حضور وکن الدوله و رئیس کابینه و میرزا ارسطو خان . . . نماینده جنرال قونسل روس ظهیرالسلطان معاون ایالت حمله سخت بر رئیس نظمیہ کرده و گفته است ترا مجبور باستقفا خواهم کرد. چه قدر خوب عبارتی گفته است رئیس نظمیہ با از قول او جمل مکرده اند (تا آقایان صبح بخواهند از خواب بر خواسته و دو ساعت (نوالت) و آرایش کنند من هزار کار صورت داده و بسیار جا مثل تیشاپور را امن کرده ام) و نیز همین معتدالوزاره در انجمن ایالتی گفته بوده است (همده تاسف من از این است که چرا ظهیرالسلطان مرا در حضور نماینده دولت

روس مفتوح کند) هرگاه در این يك جمله وقت شود از خیالات این مرد چیزها میشود دور نمود نگارش حضرت ستطاب شیخ المراقین از کربلا قابل توجه اولیای حکومت هندوستان

پادشاهان و امراء اوده مبنی هنگنت تسلیم بانگ انگریز نمودند که همه ساله از منافع آن مقداری معین نصف در کربلا و نصف در نجف بمجنه‌دان مجاور کربلا و نجف برساند و عین عبارت وقف نامجه اینست (این مبلغ را بمجنه‌دان مجاور کربلا و نجف رسانند) و در اصل آن وصیت نامجه یا وقف نامجه مصرف آن را نوشته و تکلیفی بجهت دولت انگریز معین کرده مکرر سایدن آن مبلغ بمجنه‌دان مجاور کربلا و نجف در اول امر بالیوزهای بغداد آن وجه را نصف يك مجتهد در کربلا و نصف يك مجتهد در نجف میدادند بعد از مدتی یکی از بالیوزهای بغداد به مجتهد کربلا و مجتهد نجف که این وجه را میگرفتند ناظر معین کرد و آن مجتهد را مجبور نمود که آن وجه را با اطلاع ویس قونسل کربلا در تحت دفتری معین تقسیم کند و مبلغی از آن وجه را بویس قونسل کربلا در مقابل مواجب و خدمت او میدادند. چندین سال همین نحو معمول بود. در سنه ۱۳۲۰ بالیوز بغداد عبارت وقتنامجه را دیده و لفظ مجتهدان که مراد جمع است فهمیده آن وجه را تقسیم بین ده نفر مجتهد در کربلا و ده نفر مجتهد در نجف نمود. هر يك را مای پانصد روپیه میداد. سال گذشته یکی از مقسمین مجتهدین جناب آقا سید هاشم قزوینی در کربلا فوت شد بالیوز بغداد وجه او را بکسی نداد با آنکه حمی اجتهاد خود را به حسب تصدیق مجتهدین مسلم محقق و ثابت کردند سپس بویس قونسل کربلا بیخام داد که نه نفر مقسم دیگر را ملاقات کن بآنها بگو هر يك از شما باید دوپست روپیه از این وجه بدهید تا بواسطه قونسلخانه تقسیم شود و اگر ندادند آن وجه از آنها بریده خواهد شد. هشت نفر از آن نه نفر ترسیده و قبول کردند بعد بالیوز بکربلا آمد و خودش مجلس تشکیل کرد. آن پانصد روپیه سید هاشم قزوینی را و از سایرین نیز که بریده بود هر که هرچه خواست تقسیم نمود عجب اینست که از مجتهدین مقسمین قبض ماهواری پانصد روپیه گرفت و

آن نوشته ها به نهید قطع پول حاصل کرد و از آنها ورقه گرفت که ما این دوپست روپیه را بمیل خود دادیم. و حال آنکه در قبل از این سال تمام ملاب جمع شدند از مقسمین مای يك صد روپیه خواستند دادند. حال چگونه با امر بالیوز راسی شدند دوپست روپیه دادند. و چون جناب ستطاب حجة الاسلام والمسلمین نایب الامام آقا حاجی شیخ حسین مجتهد فرزند مرحوم مغفور حجة الاسلام آية الله في الانام شیخ زین العابدین قدس سره از بالیوز دیدن نکرد و این معامله او را قبول فرمود و فرمود این نحو معامله خلاف وصیت است و نماینده انگلیس حق مداخله در این وجه و نیقه ندارد باید او تسلیم مجتهدان کند لا غیر. این جهه بالیوز موصوف وجه ماهواری ایشانرا داد و بهمین سبب تمام مقسمین فهایبند اگر این قرار مرا قبول نکرده و وجه را از شما خواهم برید. آن بیچارگان از ترس قبول کردند و گویا ورقه رضایت نامجه بالیوز دادند بعد از کربلا نجف رفته و در نجف هم خواست چنین معامله کند از اعلای مجتهدین نجف بی اعتنائ دیده این کار را نکرد و معاودت نمود. در چندی قبل یکی از مجتهدین نجف که اسس شیخ عبدالحس است برحت ایزدی شتافت. قسط ماه وار او را نیز بکسی نداد میگویند که در نجف هم میخواهد مثل کربلا معامله نماید. آیا مأمورین اوقاف هند حق این را دارند که از بالیوز بغداد سوال کنند از روی چه قانون و کدام قاعده باین نحو مداخله کردی؟ چه اگر این عمل او صحیح و موافق با قاعده است پس باید بالیوزهای سابق از غرامت آن وجه که برخلاف این قاعده داده‌اند برآید. اگر آن حرکات و اعمال بالیوزهای سابق صحیح بوده پس باید این بالیوز از عهده غرامت برآید. و در وصیت نامجه اختیار مأمورین انگلیس ن داده است که آنچه بالیوز بغداد بخواند بکند. آیا مأمورین اوقاف هند اگر مدعی بالیوز بغداد نشوند دیگر اطمینان بجهت امرای و نوایین بزرگ هند باقی خواهد ماند. که پول خود را بدولت انگریز بدهند و وصیت بآنها بکنند؟ و از آن باید ترسید که اگر از اینگونه تصرفات بجای مأمورین انگلیس جلوگیری نشود در آتی نوایین و امرای هند و وجوه خود را بیاسگهای ترانه

و یا دیگران بدمنند و دیگران را وُسی در امر خود قرار دهند که گاهی تخلف در شکر دار و افعال آنها از مامورین شان دیده و شنیده نشده است بلکه این حق مدعی العموم هند است که در مقام تحقیق این مطالب باشد و ننگذارد سلب اطمینان مردم از دولت انگریز شود و اگر مدعی العموم هند از این جهت سکه محافظ حقوق عمومیه است مدعی نشود معلوم خواهند شد که او هم خبر دولت خویش را نخواسته است

(الاقل علی ابن شیخ)

حبل المتین

تاکنون درین موضوع شکایت نامهای عدیده بلاواسطه و بواسطه اداره حبل المتین رسیده بود و ما بطریق دیگر در صدد رفع این غائله بوده و هستیم ، البته بی مناسبت نیست که توجه اولیای حکومت هند را معطوف باین نکته نمایم چه خوف آست این گونه حرکات مورت تنفر مجتهدین بزرگ گردیده تواید مشکلات دیگر نماید و در حقیقت بالیوز بغداد هرگاه بر طبق وصیت نامه چنانچه در این مکتوب نوشته شده عمل نماید رای دولت انگلیس بیشتر مقرون بصرفه خواهد بود و هیچ شکایتی هم رای او نیست ، اگرچه ما میدانیم که شکایت های عدیده که از ارباب عمام به بالیوز رسیده مورت این تصرف شده است ولی بقیده ما این تصرف رفته رفته مجتهدین بزرگ را بصدا خواهد آورد چنانچه تا درجه هم آورده است ، و شاید در مقابل آن تصویریکه برای از دیاد نفوذ می شود مضرت رسالت گردد ، لذا ما اولیای حکومت هند را متوجه می سازیم که رفع این غائله را بی صدا بفرمایند و این آواز ها را خاموش کنند که شاید عاقبتی خوش ظاهر نسازد ، و رفع این غائله درین است که دست بترکیب اصول سابقه زده همان قسمی که تقسیم به مجتهدین بزرگ می شد اعم از کربلا و محف بشود مسلم است که واقفین تکالیف شرعی خود را بهتر دانسته اند

قتل از روزنامه شریفه مظفری

(منطبه بوشهر)

(جزیره قشم)

جزیره ایست طولانی و از اولین جزایر مهمه

خلیج است ، دانستن اهمیت موقع سیاسی آن فقط بسنه بیذل توجه است - مساحت ارضیه اش از اول جزیره قشم تا محل موسوم به (باسید) و طولاً ۲۴ فرسخ و عرضاً سه فرسخ و دارای سی و چند قریه آباد است که بزرگترش خود قصبه قشم است سکه تاجر نشین و مرکز اداره گمرک و دارای قریباً ۱۲ هزار نفوس است

معدن منکشفه در این جزیره عبارت از دو معدن بزرگ ممتاز گوگرد و نمک است ، که معدن گوگرد در محل موسوم به (دولاب) واقع شده که از آنها فواید جمده حاصل است - و چون احتمال بعضی معدن دیگر هم در این جزیره هست که کشف آنها و کار کردن در اینها فقط بسنه بیذل توجه اولیای امور و فرستادن دوفتر مهندس معدن شناس است و بس - که در ترتیب استخراج معدن منکشفه و غیر منکشفه سایر بنادر و جزایر سرکنی هم باعجا بکنند

(جزیره هرموز)

بفاصله چهار فرسخ تقریبی طرف جنوب شرقی بندر عباس واقع شده تمام خصایص ممتازه را دست قدرت در محل و مکان و موضع مهم این جزیره بودیه گذاشته که تحصیل جمیع سعادات و رفع احتیاجات ملکی و ملق ایرات امروز بسنه بیک اقدام وطن خواهانه اولیای امور است - تفصیل قلمه مخروبه و سایر اختصاصاتیکه در سابق داشته و شرح حال امالیش بماند

معدن در این جزیره یکی کلک سرخ معروف و بمنزله طلای احمر است که تفصیل آن را بیای در این مدت متواتر از هر مقاله و بهر مقوله انتشار داده ایم و این معدن تمام شدنی نیست و کیفیت جزئی مخارجی که از استخراج از معدن تملق می گیرد طی عنوان مکتوب از بندر عباس در شماره ۹ مندرج است ، دیگر معدن نمک است - گوگرد هم دارد که این سه معدن مکتوف است و در آنها کار و مواد آن را استخراج کرده بیازار فروش میرسانند

غیر از اینها معدن مس و آهن هم موجود است با درجه ممتاز فلزیکی ماندنی که در بندر (خیر) کشف شده - بعضی ها هم درآمین مهندس

احتمال کشف معادن نقره و طلا هم داده اند
(جزیره لارک)

هم دارایی همین جنس گالک قرمز ولی با اصطلاح نارس است - و چنانکه در شرح واضح به امتیاز معادن در همین شماره مندرج است معدن گالک اینجزیره با امتیاز گالک هرمز نیست - و اگر در آنها شروع بخریبات نمایند در بازار خارجه بقیمت خود فروش خواهد رفت - با وجود آمدن مهندس احتمال کشف معادن دیگر هم در آنها می رود

(جزیره منجم - یا منگام)

نظر با اهمیت موضع منجم انگلیسان (مثل اینکه در بندر عباس و جاشک و غیره ساختند و در بوشهر هم مشغول ساختن اند) قلمه محکمی باسم تلگرافخانه در آنها ساخته اند کشف انواع معادن در آب محقق - و باز مربوط بوجود مهندس و توجه اولیای امور است

(بندر خیر)

که مابین بنادر لنگه و عباسی واقع شده دارای معادن خدا داده از ذغال سنگ ، و مومبائی و انواع فلزات است که غالباً شرح آنها در شماره های سابقه (مظفری) تکرار یافته

(کوه گناو)

حوالی بندر عباس که دارای جمیع اختصاصات و پائین تا بالای کوه از خصایص ممالک سردسیری و گرمسیری طوری متفاوت است که اختصاص بخودش دارد و میتوان از جمیع نهای خدا داده در آب بهره های وافیه تحصیل کرد ، نیز دارای معادن زرخیز است که منتهی به ذغال سنگ ممتاز و آهن و انواع فلزات و نهایت سهل الاستخراج است (چنانکه در هرموز که شرحش گذشت و

کوه خرموج که تفصیلاتش خواهد آمد ذکر شده و میشود) آثاری که از کوره های آهنگری و دستگاه های ذوب آهن و مس و سایر فلزات در این کوه مشهود است ، معلوم میشود که در از منته ساله در این معادن کار گران ماهر مشغول استخراج فلزین زیر زمینی بودند که به مرور دور تا امروز از حیز انتاع افتاده - و استخراج ثروت از قدم بقدم و نقطه به نقطه این

کوه با بوکت بر منفعت بسته باندک توجه اولیای امور و وجود دو نفر مهندس و کار کردن روی اصول صحیح اداری است

و اما معادن ذغال سنگ که امروز بمراتب از گالک و غیره ها هم ارفع است نه منحصر بهمین کوه گناو حوالی عباسی است ، در بندر خیر و حوالی بندر لنگه هم بسیار است و شاید از سلسله کوه (خرموج) تا کوه (مند) چندین معادن ممتاز موجود است که اجلاً شرح آنها از این قرار می باشد (کوه خرموج - یا کوه پیری)

فاصله اینکوه بکفرسخ است تا خرموج و الی ه فرسخ بدریا فاصله دارد که ممکن است به اندک بذل توجهی از معادنی که در کوه است تا ساحل دریا ، یا خط آهن کشید ، یا راه را شوسه و صراط رو کرد که توان مواد معدنیه را از هر چیز برای حمل و نقل بسهولت کنار دریا وارد نمود این کوه دارای معادن ذغال سنگ ، نمک ، مس ، مومبائی ، آهن ، قیر ، زاج و غیره ها است که چنانکه گفتیم آثار کوره و علامت کارخانجات از قدیم هنوز در اینکوه مشهود نظر عبرت بینندگان است

از خرموج تا کوه (مند) مستقیماً ۳ فرسخ و از ریشه کوه پیری که طرف شرق واقع تا به کوه مند که بکوه قبله معروف است دو فرسخ است

و اگر راه از طریق (قبه حسنان) عبور داده شود با شیب و فراز و ارتفاع کوه ۴ فرسخ است ، در کوه موسوم به (سنا) جنوبی خرموج هم معدن نمک بسیار ممتازی است که هیچ نسبت به سایر معادن نقاط دیگر ندارد

راجع معدن

(يك از بزرگان آگاه میفرماید)

آقای مدبر محترم مظفری ، مندرجات جریده محترمه را در باب معدن گالک جزیره هرمز که تحت سلطه معیرالتجار بوشهری است قرائت نموده و مندرجات جراید مرکز و مجاریات بعضی از وکلای ملت خواه را در دارالشوراء کبری نیز مطالعه نمودیم و توسط بعضی از ذوات گرام را در دوائر مرکزیه در حق جناب معیرالتجار نیز مشاهده کردیم اگرچه

هریک از مندرجات در موقع خود قابل ملاحظه و تدقیق است ولی محض آنکه کلام صورت جدلی نگیرد و شکل مرانی نیاید از حال هر یک و تعرض آن اغراض نموده مختصری در غرض اصلی تخریر می کنیم

ماهیت معدن کلک آهن سوخته است (آکسید دوفر) که بدخلقت از منته سالنه برای ما اذخار داشته نخستین ایادی تکوین برآی روز واپسین ما ملت اندوخته کرده که در موقع لزوم بکار انداخته برخی از ضروریات ملیه خودمانرا باین گنج نهفته رفته باشیم

حاصل عمل این معدن موافق قرار داد نامه ظاهریه که میانه معین التجار و کپای استریک منعقد بوده نتیجه آن مقاوله نامه این بوده که هر سالی هشت هزار تن کلک از آن معدن تسلیم جہازات این کپای بشود بمبلغ ۱۷۰۰۰ پوند انگلیسی بشرط آنکه صاحب معدن با قالم عرب و بنواحی اروپا خودش حمل نکند، آنچه جہازات دول از این کلک لازم دارند مراجعه آنها با کپای مذکور باشد تقریباً چهار هزار تن هم از همین معدن بنواحی آسیا و اقلیم مشرق حمل میشود تقریباً بهمان قیمت که جیباً بیست و پچہزار و پانصد پوند انگلیسی عایدی این معدن بوده و سالی تقریباً اجرت حفاران معدن و حمل بساحل و نقل از ساحل تا بپہراز هم یکہزار پوند بوده پس از موضوع مخارج بیست و چہار هزار و پانصد پوند انگلیسی عایدی صاحب معدن بود

ولی تحقیقات تجسیه و غور وسی های خفیه دقیقه این بوده که تقریباً سالی شانزده الی ہندہ ہزار تن از کلک از این معدن حمل میشدہ از قرار سی سه پوند کہ سالی جماعاً پنجہزار پوند عایدی آن بودہ کہ دہ ہزار تن بصنجات اروپا حمل بشود و نصف بیشتر ہم بصنجات ہند و چین و ژاپون، و کتہان این قرار داد مطابق اقتصاد (اکنونی) شخصی بودہ کہ با کمال احتیاط مرعی شدہ بود کہ نزد اولیای دولت شایع نشود البتہ حزم عقلانی در عاقبت بنی امور همین است چنانچہ در امتیاز نطف حدود جنوبی ہم کہ میرزا علی اصغر خان با خارجه می بست یک مقاولات ظاہریہ بود کہ بسلاطین

متبوع خود ارائه میشد و یک قرار داد خفیه ہم داشنہ با صاحب امتیاز و این اضافات خفیه منحل بدو جزء میشد، یکی نقد حق الجمالہ صدور دستخط و یکی حق اشتراک در آن معدن، امیدواریم انشاء اللہ در موقع خود این اختصاصات را کشف نمایم

باری موافق تحقیقات دقیقه عایدی معدن کلک فعلاً سالیانہ پنجہزار پوند انگلیسی است اما خاصیت و مصرف این معدن بجهت رنگ نمودن جہازات است کہ آب شور دریا ضایع نکند، معادن دیگر ہم از این قسم هست ولی باین خوبی نیست چنانچہ در جزیرہ (لارک و قشم) ہم این معدن یافت میشود ولی باین خوبی نیست باصطلاح اهل جہازات این قسم چربی ندارد دعینیت معادن دیگر باین حد نیست

اما معدن نمک و گوگرد کہ در جزائر (ہرمز و قشم) و بنادر عدیدہ مثل (خیر و غیرہ) موجود است ہم بمصرف میرسد احتمال دارد اگر تحت نظر یک نفر مأمور باشرف باشد و دارالشورای کبری مشمول نظر دقیق نماید و مفتش خفیه بکار د و ہر دو را تحت نظر ملیہ مندرج نمایند ہم مبادل کلک از آنها حاصل شود یعنی پس از تاسیس ادارہ بسیار سادہ و مختصری بعد از یکسال قدر متیقن یکصد ہزار پوند عاید ملت میشود

آقای مدیر شما این مختصر لایحہ را قصہ ندانید و دارالشوراء کبری ہم جزء اسامیر اولین ندانند و ہیئت کابینہ محترمہ ہم انشاء حسین کردہ بہ بندارند عوائد معادن را مانند مالیات فارس گمان نکنند کہ آخر سال بخرج تراشی حکام چیزی عاید دولت نشود، بلکہ این وجوہ را کہ ذکر کردیم از این معادن عاید می شود ہمہ را نقد موجود بدانند بلکہ پس از تشکیل و تنظیم ادارہ بسیار سادہ مترصد وصول نصف این وجہ باشند و مقایسہ ثروت عایدہ معادن را با منابع ثروتیہ دولتی قیاس مع الفارق نیندارند، این منبع دخل بی خرج را از نظر صائب محو نہ نمایند، مثلاً یک کرور مالیات حدود جنوبی را با مخارج لازمہ صحیحہ و خرج تراشی حکام اگر نتیجہ بخواهند سالی یکصد ہزار تومان دخل زائد بخرج ندارد، مثلاً اگر مواجب حکام و مأمورین فارس و مستعمریات محلی و انعامات و تکالیف وا

از دخل آن موضوع نمایند بقدر عشر این معادن جنوبی مایدی نخواهد داشت. نگارنده حاضر است که در دارالشورای کبری مدال بدارد که امروزه اولین ثروت بی خرج دولت همین معادن جنوبی است و از ذوات گرام و رجال عظام ایرانش که توسط نموده اند امتیاز یا ریاست این معادن با خود معینالتجار باشد چه آنهاست که در طهران و چه در خارج طهران اند خواهش میکنیم که اندکی تأمل فرمایند که اصل این معادن چه بوده و چه شده یعنی يك ثروت سرشار ملیه بوده در دوره خرافات استبداد در فروش حقوق مشروعه ملیه که بقلم رزالت شیم علی اصغر خان از کبینه ملت خارج شده بحیب جناب معینالتجار افتاد امروز که ملت بیدار و عارف بحقوق شخصیه ملیه شده اطهار اینگونه وساطت و شفاعت اولین جسات و نخستین خیانت ملی است، دواثر مرکزیه باید عطا نظر فرمایند توسطات که مستلزم تضییع حقوق نوعیه است گوش ندهند و ترتب اثر نمایند و گمان فرمایند که این دوره خرافات یا در برده میباید یا آنکه شنوید ما جرئت اطهار آنرا نخواهند داشت بلکه بوجدان صادقانه یقین بکنند آنچه که در دیک است بکنند، خواهد آمد هیچ مطلبی بر ملت پوشیده نخواهد ماند و هیچ فردی هم از اطهار آن دریغ نخواهد کرد این دوره نه آن وقتی است که مملکت را آلت عیش يك فر بدانند و قیصریه را برای دستیابی آتش بزند آفتابان وساطت حقوق ملت حنیف را فدای مواجس نفسانیه بکنند نمایند و همی بدانند که اینگونه شفاعت و حمایتها بدون رشوه صورت پذیر نخواهد شد و این هم از دوره خرافات مرکوز ذهن همه اهل ایرانش هست که حمایت بکنند در قبالت حقوق يك ملت جز بجزای دنیوی مقرون نیست، این شایعه ایست از آثار دوره خرافات اگر چه احتمال جهل بکیفیت امر معدن از وساطت مکرمه ما را عذر قاطع است که انشاءالله در سایه نادانی منذور باشند والا

امروزه نباید ملت خواهان بشهر و گستاخانه باین گونه امور ملت سوز اقدام نمایند و اقتحام در عقبات شدید ملیه نمایند که اسباب اعتراض دیگران بشود

و بدانند که اگر مایدی معادن بکبینه ملت داخل شود شخص معینالتجار هم یکی از افراد ملت و اشخاص شفعاء نیز از آحاد ملت اند مشمول منافع ملیه خواهند بود باوجود این اختصاص بکنند بچنین مایدی که حق مشروع ملت است کشف از

باری ما فقط حق رعایتی که از جناب معینالتجار در این لایحه باید اعمال بکنیم ایست که میکنیم اینگونه حقوق مشروعه ملیه که در غارت ایام استبداد بخانه معینالتجار افتاده خیلی از این حقوق هم بخانه دیگران افتاده است باید همی آن حقوق امروزه بکبینه ملت برگردد و هم ذویالاسهام با آقایی معینالتجار در تسلیم حقوق نوعیه شریک عم و هم آواز باشند در ترم و استبداد ایادنا و وائریتهام هم ناله باشند، جناب ممزیالیه میتواند شکایت اختصاصی خود را باین قانون عدالت آغاز نماید که من شما چه نصیر دارم که در اولین قدم مشروطیت مبتلای این بلای ناگهانی باشم اگر دزد بگیری است همه را و این شر را بخوانند

نه اگر درد کثارترا بردار کند
گذر عارف و عامی همه بر دار افتد

انتخابات خارجه

بموجب خبری که از اسلامبول رسیده بابعالی به حکام مصافات اطلاع داده که امید است مسئله (کریت) حسب دایخواه دولت عثمانی فیصله یابد لذا ترك استعمال امتعه یونان لازم نیست - و چون ترك استعمال امتعه یونان به اهالی عثمانی و خارجه یونانیان نقصان رسان است ترك نموده

روزنامهجات (یونان) تسلیم اهالی (کریت) را صلاح میدهند - میگویند که حکومت (یونان) از سرداران (کریت) خواهش نموده که احکام دول محافظ را بپذیرند

بموجب خبر اسلامبول اهالی رفته رفته امتعه یونان را استعمال می کنند - بابعالی از دولتین (آلمان و آستریا) رسا استنثار نموده که در نصفیه مسئله (کریت) شرکت خواهند نمود یا نه

در مجلس ملی انگلستان (سرادوردگری) وزیر خارجه در جواب (مستر آرپته ناتھ) اظهار داشت که باید از دولت چین استنثار نمود که انتظام راه آهن (هنکو - شیچون) را قبول می کند یا نه

۱) اعلی حضرت امپراطور آلمان حسب معمول سالانه در ممالک شمالی سیاحتاً رهسپار شدند -

۲) جہازات سکورو زاپر انگلیسی - روسی - فرانسوی و ایتالیائی در بندر (کینیا) (کریٹ) لنگر انداختند

۳) عہد نامہ بین روس و ژاپون امضا یافتہ - نقل آن بدو تن انگلیس و فرانس فرستادہ شدہ ولی تاکنون اشاعہ نیافتہ است - میگویند شرایط آزادی (منجوریا) مطابق است با شرایط عہد نامہ سابق و مرقوم است کہ در صورت انحراف دولت چین از آن شروط دولتین روس و ژاپون منفقاً کارروائی خواهند نمود

۴) در مجلس ملی انگلستان (سر ادورد گری) اظهار داشت کہ از کنارہ کنی (سرایدن گورست) از مصر ہیچوجہ گفتگوئی در میان نیست

۵) (کپتان اسکات) مصمم مسافرت قطب جنوب گردیدہ اعلی حضرت جارج استمالٹس نموده از حالات آنجا مستتر شدہ اند و شمال خویش را بوسیے اعطا نموده اند کہ در یکی از کلبہ های قطب جنوب بیاویزد

۶) دولت آلمان - کروزابر (نسی نو) را جہت مزید قوای مشرق اقصی خواهد فرستاد

۷) روز نامہ (طمس) می گوید کہ عہد نامہ (روس و ژاپون) اهمیت زیاد در معاملات پلٹیکی اقصایے شرق دارد - کسیکہ خواستگار امنیت مشرق اقصی هستند از این عہد نامہ مسرورند

۸) نامہ نگار (طمس) از (پترسبرگ) خبر میدہد کہ در عہد نامہ روس و ژاپون مسطور است کہ شرایط عہد نامہ سنہ ۱۹۰۷ مستقل مادہ در تین امنیت مشرق اقصی را دہدار شدہ اند - اولاً برای سہولت آمد و رفت و ترقی تجارت دودین میبخواہند توسعہ در راہ آهن (منجوریا) دهند و در انتظام مستخدمین استاسیونہا اصول صحیحی اختیار نمایند - نایاً ہیچیک از دول ضرر بہ یکدیگر برای سبقت بر تجارت نخواہند رسانید - و مطابق عہد نامہ جت سابقہ (روس و ژاپون) آزادی و خود مختاری (منجوریا) قائم خواہد بود - در صورتیکہ ہیچ نوع تفرقہ در آزادی آن پیدا شود دولتین باید متفقاً سعی در رفع آن نمایند

۹) مخبر (روتر) خبر میدہد واقعتاً تازو (کریٹ) دال بر اغتشاش است دول محافظ بر این مشلہ بحث میکنند کہ اگر در مجلس ملی آنیہ وکلاء مسلمان را بر حلف بنام بادشاہ یونان جبر کنند در آنصورت دول محافظ را لازم است قشون وارد سازد

۱۰) وقایع نگار (طمس) از (پترسبرگ) تلگراف نموده کہ در عہد نامہ (روس و ژاپون) مسطور است کہ بموجب عہد نامہ ۱۷ جولائی سنہ ۱۹۰۷ نابت وقائم مادہ متفقاً دولتین در مشرق اقصی امنیت را مستقر خواہند داشت و برای سہولت ایاب و ذہاب مال التجارہ و ترقی آن دولتین باید توسعہ در راہ آهن (منجوریا) بدہند

۱۱) (ستر اسکویت) در جواب (ستر کشرہاردی) اظهار داشت کہ بودجہ ہندوستان ۲۶ جولائی پیش خواہد شد

۱۲) (سر ادورد ساسون) مسودہ قانون نصب تلگراف بی سیم را پیش خواہد نمود

۱۳) روزنامجات (آستریا) را عقیدہ ایست کہ عہد نامہ روس و ژاپون را ما دقت نظر باید دید بواسطہ این عہد نامہ دولت روس از جنگ ژاپون مخلص و آسودہ گردید ، از مشرق اقصی قشون خود را عودت و در مساملات پلٹیکی اروپا قوت خواہد گرفت

۱۴) (لارڈ کروی) در جواب سئوالی اظهار داشت کہ دربارہ ہندیان (تونسوال) با (لارڈ گلادستون) مخارہ مینماید

۱۵) تلگرافی کہ (روم) رسیدہ ظاہر میدارد کہ در حبش بواسطہ مخالفت سرداران خوف اغتشاش میروند ، حکومت حبشہ قشون در (راس میچل) میفرستد

۱۶) تلگرافی از شنگان در (برلین) اشاعہ یافتہ کہ برخلاف دولت (آلمان) در چین ہمہ ووزہ اقدامات می شود و بانی این فساد معلمین و دانشگن تصور می شوند کہ در (پیکن) مشغول تعلیم میباشند ، و نیز سعی در ترک استعمال امتعہ آلمان هستند ، جرائد آلمان می نویسند کہ بانی این فساد اہالی چین نمی باشند بلکہ انگلیسٹ بنظر نقصان دہی بہ تجارت آلمان بانی این شورش اند

(بقیه از صفحه (۴) همین شماره)

۱. بموازين استقلالیه خود بدهند سفارتین را بیج کاری از پیش نرود، و ازین تهدید سفارتین (که اگر دولت ایران جواب نداده یا جواب مساعد ندهد دوستانه تصور نخواهیم کرد) قین بدانند که دوستی دولتین نسبت بایران تا وقتی ست که استقلال ما باقی باشد و هرگاه ما باین یادداشت تسلیم شویم استقلال ما معدوم خواهد گردید و با التبع دوستی شان هم مرتفع خواهد گردید. بر آن موقع باید زیر دستانه و درعیناه بنمای رأیت ایشان را بنایم نه دوستی شان را

پنجم - وکلاء محترم بدانند که این یادداشت برای تخریب بنیان مجلس مقدس شورای ملی از نوب های محمد علی و لیاکوف مونترتر و شدیدتر است و هرگاه سخت نایستند و اقدامات مجدانه در رد این یادداشت نمایند و موکلین خود را کابیننی آگاه نوازند دوره وکالت را بوجود خود درایران خاتمه داده اند، چه البته بخوبی میدانند این یادداشت تیشه ایست بر ریشه استقلال ایران و چون استقلالی برای ایران باقی نماند اطلاق لفظ پارلمان در ایران غلط خواهد بود، لذا باید جداً ایستاده ولو به تسلیم موقتی پارلمان باشد رجوع به موکلین خود نموده رفع تقار در هر نقطه که تصور کنند فرموده تبانیات لفظی اعتدال و انقلاب را برای روزی چند کنار گذارده بارتی نازی را در کابینه وزراء و امراء و روحانیان بلکه افراد ملت به یکسو کرده طامه ملت را از هر رابطه و جنس برای جواب این یادداشت آماده و مستعد سازند و نگذارند این تبر زهر آلود سیاسی که از کانت سفارتین گذشته بر جسم مقدس ایران جا کند و برای همیشه استقلال او را وداع گوید

ششم - این همه اهمیت که ما باین یادداشت هجدهم از بیم غفلت و جهالت و عدم علم ایرانیان به سیاسیات عصر جدید است ورنه ایرانیان بدانند که اینگونه یادداشت ها فقط برای سرعوب ساختن آنان است، هرگاه تیرشان به نشان اسابت نمود یعنی سرعوب شدند مطلب بر آورده و مقصودشان حاصل گردید است، ولی در صورتیکه ملت جسارت و روزی و ازین تهدیدات سرعوب نشود این گونه

یادداشت ها دارای هیچگونه اهمیتی نتواند بود، ایرانیان بدانند که اگر در مقابل این یادداشت سرعوب شوند استقلالشان رفته و اگر ترك سرعوبیت گویند و در حقوق استقلال خویش یکپا ایستاده هم حیانت عزت، شرف، ناموس، دیانت خود را کرده و هم دولتین را مجبور به دوستی خویش ساخته اند، و نباید به نوید دوستی همسایگان امیدوار شده در مقابل این یادداشت سر تسلیم خم نمایند بجزردیکه سر تسلیم خم کردند مقام دوستی و سلوک دوستانه آنها نسبت به آنان مرتفع خواهد گردید، چه بقای دوستی آنان با ما تا جایی است که استقلالمان باقی باشد و همینکه سلب استقلال از ما نمودند سلوکشان با ما همان سلوک با رعایای خویش خواهد بود، همان سلوک زبردستان به زیر دستان، همان سلوک موالی با عبید، همان سلوک امیر با امیر همان سلوک قصاب با گوسفند و همان سلوک زندان مان با زندانیان خواهد بود

ایرانیان راست که ازین نگارشات عبرت گرفته طاقت خویشرا سنجیده تمام قوای خود را از مالی و جانی و روحانی و سیاسی و اقتصادی متحد ساخته در مقابل این یادداشت استقلال ویران کن عرض اندام نموده از بذل هیچ چیز دریغ نداشته از درون جان و بن دندان بمائیان به نمایانند که ورد زبان ایرانیان یا مرگ یا استقلال است

ترجمه اخبارات خارجه راجع بایران

طمس موخه ۱۹ جون تلگرافی را از پترزبرگ بدین مضمون اشاعت نموده است
گرفتاری پلیس های تبریز بدست افسر قشون روسی بسبب انکار حکومت از تدارک جمله کسکه پلیس ها بیکی از رعایای روس نموده بودند بتصدیق پیوسته، این واقعه هدایت میکند تبدیل حکومت تبریز را که خیالاتش سبب تعویق حرکت قشون روس گردیده است

(جبل المتین)

کمان نداریم که پس از اوقادن طشت احتجاجات وزیادتی های انسران روسی در ایران وحایت های انصافی کشته طمس لندن جای تردیدی برای ما در اینگونه مقالات باقی مانده باشد، روسها خیالاتشان معلوم، تمام این گریه و قهقاریها محض تبدیل حکومت قانونی

جناب محبرالسلطنه است که شرحش را سابقاً نگاشته ایم و اشاعتی که درین موضوع داده می شود کذب محض و محض کذب است، امروزه قیام قشون روس در ایران محض بهانه حوث و انداختن اغتشاش و فرام آوردن اسباب هیجان است چنانچه کراراً اینگونه حرکات ناشایست افسران و تا بنان قشون روس در تبریز و قزوین پیش آمده و در عالم انتشار یافته است

اخبار (میونخ) مراسله را اشاعت داده که وقایع تگارش با سید روت مخبره نموده، منجمه میگوید سیدروت اظهار داشته که من عقیده خود را به دج بانک بدین عنوان تقدیم نمودم که فعلاً در معاملات ایران هیچگونه دمه داری اختیار نباید، چه امید فتح بدون اینکه دولت آلمان تأییدات پلنکی به بانک نماید مشکل است، و چنان تصور می شود که دولت آلمان بواسطه انقلابات پلنکی امروزه یا در آتی مشکل است بتواند تأیید به دج بانک در ایران بدهد و از سخنان سید روت اوضاع سیاسی برلن تغییرات کانی یافته و آلمان را شکست بین پلنکی حاصل آمده است

اخبار (ویسینگ زینانک) آلمانی تردید میکند اشاعت کلیه مقالات اخبار (میونخ) را و تخصیص میدهد این نکته را در بازگشت خیالات و عطف توجه او از تأییدات دیپلماتی دولت آلمان در ایران، مدیر بانک اظهار داشته که تا کنون راپورت سید روت و کیسیون او زیرنویز و بحث است و هیچگونه تصحیه امری نشده است

دج بانک چیزی را که اسکار نمی نماید این است که آلمان در معاملات تجارتنی ایران تا وقتیکه به تأییدات پلنکی اقدام نشود کاری از پیش نتواند برد چیزی که مابه توجه میباشد این است که دولت آلمان فعلاً اراده اقدامات پلنکی در ایران ندارد

اخبار طمس ۲۱ جون تلگرافی را از طهران اشاعت میدهد. واقعات داراب میرزا و ناتانی قشون روس با پلیس تبریز مورث مزید نفرت اهالی ایران و بدظنیشان از روسیافت گرفته اخبارات و سایر ارباب نفوذیم که بخیمال خودشان از این طریق میتوانند فائده بملک شان برسانند مزید بر هیجان ملت شده است، بدبختانه حکومت جدید

هم تاکنون تدارکی ننموده تا رفع این بدظنی ها شده قشون روس خارج گردد

حبلالمتین

عجبا روز نامه طمس گویا چنین خواهان است که در مقابل این همه زیاده و اجحافات بین قشون روس ایرانیان نازشست گشته خود را به قهقی زده هیچ اظهار تنفر ننمایند و چون این خواهشات طمس برخلاف طبیعت است یعنی ممکن نیست طبیعت هیچ ملتی قبول کند، این است که طمس قیام قشون روس را معلق بر این امر قرار میدهد. بی این است معنی پلنک و همراهی های سیاسی مستر دیلن در پارلمان انگلیس از سرادوردگری وزیر خارجه برشش نمود آیا دولتین روس و انگلیس تاکنون بای بند هستند بدان قرار نامه که بدولت ایران تقدیم نموده اند (یعنی ضمانت آزادی ایران را) یا خیر

سرادوردگری در جواب اظهار داشت که دولتین روس و انگلیس توقیر و تنظیم آزادی ایران را در عهدنامه خودشان قبول نموده و بدولت ایران هم تقدیم نموده اند، نه ضمانت آزادی ایران را

حبلالمتین

اقوال دیپلماتی و معاهدات سیاسی را اعتبار تا بقای اغراض طرف غالب است، سرادوردگری درین مقام بناحق سخنی رانده و ما هرگز تصدیق سخنان او را نتوانیم نمود و چنانچه رورناجیات لیبراله انگلیس مینویسند لفظ گرانسی (که به معنی ضمانت است) در آن یاد داشتی که بدولت ایران پیش نموده اند موجود است، که جناب (سرادوردگری) لفظ ضمانت را بمعنی توقیر و تنظیم می آورد، بسیار خوب حالا باید دید سکه سرادوردگری و وزیر خارجه روس واقفاً آزادی و استقلال ایران را تنظیم و توقیر نموده اند یا خیر، بی این پیش آمد های دو ساله شاهد است بر اینکه بجای تنظیم هاره استقلال ایران تحقیر شده و می شود، ولی ما به بانک بلند میگوئیم که ضامن استقلال و آزادی ایران همانا غیرت ایرانیان است و ما هرگز خواستگار آن نبوده و نیستیم که دولتین روس و انگلیس ضامن آزادی ما شوند، فقط توفیقیکه در عالم انسان خواهی و همسایگی از آلمان داریم این است که ما را

خود گذارده تا بتوانیم در حفظ استقلال خویش بکوشیم ، اما افسوس که این آرزو و آرمان نیز تا امروز بدل مان مانده و همه روزه از هر طرف يك گونه اسباب چینی در سلب استقلال ما مینمایند ، ما درین موقع فقط به عنوانیکه روزنامه حریت خواه دلی نیوز لندن نوشته قناعت می یابیم

ترجمه دلی نیوز - یوم قبل ما شرحی در باب خیالات روس در شمالی ایران که بهانه برای الحاق یسرحدانش میجوید نگاشتیم ، چنانچه یکی از افسران روسی که ایرانی الاصل است بفاوت کرده دولت ایران برای سرکوبی اش قشون فرستاده و قزاقان روسی که باهم گرفتاری او رفته بودند شریک باوی شده و قشون ایران را درهم می شکنند ،

این حرکات بخوبی ظاهر میدارد که دولت روس تا چه اندازه توقیر و تعظیم مینماید استقلال و آزادی دولت ایران را ، حالا به بینیم عقیده وزارت خارجه ما چیست ؟ دیروز از (سر ادوردگری) در پارلمان سؤال شد که آیا دولتین در یاد داشتی که در ستمبر (۱۹۰۷) بدولت ایران پیش نموده آزادی ایران را ضمانت نموده اند ؟ در جواب اظهار میدارد که ضمانت با استقلال و آزادی نکرده بلکه توقیر و تعظیم او را ذمه گرفته اند ، حالا باید عین یادداشتی را که بدولت ایران فرستاده بدقت ملاحظه نمود ، چه از زمان دراز بدولت ایران اطمینان داده شده است که معاهده دولتی انگلیس و روس این است که نه تنها برای همیشه هیچگونه تجاوزی با استقلال ایران نخواهند نمود بلکه ضمانت استقلال او را هم نموده اند ، و ما درین جا عین عبارتی که وزیر خارجه روس نگاشته می نویسیم

« مواد این معاهده که در میان دو دولت اروپائی که تعلقات زیاد در ایران دارند بسته شده ضامن آزادی و استقلال ایران میباشد » و این عین عبارت یاد داشتی است که بدولت ایران فرستاده اند ، متأسفانه حالا (سر ادوردگری) وزیر خارجه ما میگوید « ما ضمانت استقلال و آزادی ایران را نموده ایم ، آیا میتوانیم سؤال کنیم که لفظ ضمانت در چه وقتی بمعنی عدم ضمانت استعمال می شود ؟ جوابش این است که این لفظ تغییر معنی در آن وقت پیدا میکند که یکی از وزارت های خارجی اروپائی در حق یکی

از دول غیر اروپائی استعمال نماید خیلی مشکل است تصدیق این مسئله که آیا کسی که چنین جواب داده است از وزیر خارجه انگلستان و یکی از اعضای کابینه لیبرال ماست !

ایضاً - حیثیات ایرانیان بر صد قیام قشون روس هم روزه در ازدیاد است و حادثات ایکه همواره در قیام قشون روس پیش می آید مرید بر این مبعیبت می گردد ، چنانچه قزاق روسی در تبریز پلیس های ایرانی را به بهانه ایکه آنان یکی از رعایای روسی را توهین نموده اند گرفته و حبس کرده و بهمین بهانه تبدیل ایالت تبریز را هم خواستگار شده اند که مملکتی بدین اغلاب را منظم ساخته است ایالت تبریز کمال جهد را دارد که حرکتی مخالف با روسیان از عوام هر نژاد چنانچه جلسه بزرگی را (که حتی در مهران اشاعه داده بودند منعقد خواهد شد برای بروست قیام روس) جلوگیری کرده است

بمانندگرافا و کتباً خبر رسیده که قیام قشون روس مورث شکایت زیاد ایرانیان شده است ، واقعه رحیم خان که سبب آنهمه خورجری و خسارات ملی گردید و نیز واقعه جدیده داراب میرزا را تمام از قیام قشون روس می بیند

علاوه بر اینها محض رفع جلوگیری از اغتشاشات داراب میرزا (افسر قشون روس) دولت ایران دسته از قشون خود را برای حفظ امنیت روانه بخارخ زحمان نمود به مجرد استماع این خبر قشون روس با داراب میرزا همدست شده بر قشون ایران حمله نمودند و انسر آنها را کشته حتی را اسیر گرفته خزوبین بردند ، هیچ جای شبهه نیست که داراب میرزا بفاوت نموده و هم مترمان روس پیش او را تأیید کرده اند - ضدیت ایرانیان برخلاف روسیان در

این موقع نیز دال بر این معنی است

مارنسک یست مورخه ۱۸ جون تلگرافاً از تبریز خبر یافته که ۲۵ نفر قزاقان روسی در خانه نقه الاسلام رفته و مطالبه يك نفر سرمایه که مقودالتر است کردند ، حکومت آذربایجان بطهران خبر داده که هرگاه در مقابل زیادتیهای روس که مورث این گونه اغتشاشات میگردد اطمینان ندهند از فرمانفرمان آذربایجان استعفا خواهد نمود

همان اخبار مینویسد که فرمانفرمای آذربایجان رسماً انکار نموده که با جنرال قونسل روس متحد شده تدارک نمایند آن زیادی که از پلیس ما نسبت به رعیت روس شده بود، ازین رو کاندان روس حصه از قشون خود را در محل وقعه فرستاده و ۱۹ نفر پلیس های ایرانی را گرفتار نموده است مجرم را بدست آورد

(جیل المتین)

بلی سست عنصری ایرانیان یا بدبختانه عدم اتحاد حقیقی روحانیان کارهای ایران را پیش ازین بریشان خواهد کرد. حالا نمونه آنچه سالهاست نوشته ایم در پیشگاه مقام منبع ریاست روحانی دارد آشکارا میگردد نمونه عزت و توقیر علما را بخوبی در استقبالی اجانب ملاحظه نمودند، آیا هنوز هم موقع آن نرسیده است که مقام منبع ریاست روحانی از کابینه وزراء و مجلس شورای ملی جداً اخراج قشون بیگانه را بخواهد؟ آیا موقع حفظ بیضه اسلام هنوز نرسیده است؟ آیا منتظرند که قزاقان روس علما را سکت بسته از مساجد و منار به پاهای پلنگی بکشند و در محبس های خود بیاورند؟ آیا راحت طلای بس نیست، آیا هنوز هم موقع آن نرسیده است که مسلمانان را بشکالیف شرعیه خویش بیاورند و خود بصیرت امیرالمؤمنین قدم زنند، آیا هنوز هم وقت آن نیامده که قدسی از حوزه قوالبت به دائره فعالیت گذارند، آیا هنوز زمان آن نیامده که برای حفظ استقلال این مملکت اسلامی بایران شتافته اختلافاتی که مورت این همه بد بختی اسلامیان گردیده از بین مرتفع داشته با یک اتحاد منوی مدافعه عقابان برخیزند؟

(آنچه البته بجا نرسد فریاد است)

تلاکرافات

(۲۰ ج ۲ - ۸ جولای)

لاردرگلاسن (ضمن نطق خود در (جونسبرگ) اظهار داشت که مسلمانان و اهالی هندوستان حق دارند که توجیهی برحالتشان بشود و هیچوجه نمیتوان فراموش نمود ذمه داری دولت بریطانیای عطمی را در حق ایشان

(غره رجب - ۹ جولای)

مجلس ملی انگلستان تحریک ازدیاد عوارض بر

دخل افراد را رد نمود (سرجان و بس) شکایتی در لس ملی انگلستان از اضاغه گمرک جانی پیش کرد (مسترلوئید جارچ) اظهار داشت که وقت مقتضی تخفیف گمرک جانی نیست

مخبر (روتر) از (کینیا) خبر میدهد که قنصل دول اشاعه داده اند در سورنیک تا روز دوشنبه تمویل احکام دول محافظ نشد قشون را وارد و برگمرکخانه جات (کریت) قبضه خواهند نمود تلگرافی از (کینیا) رسیده که مجلس ملی منعقد و با (۵۵) رای بمقابل (۴) رأی تصفیه یافت که وکلای مسلمان در مجلس شامل شوند، انعقاد مجلس تا ۴ ماه تعطیل ماند، بابالی بطریق اعلان به دول محافظ نوشته که دولت یونان حتی نداشت که حکومت (کریت) را پذیرفتن تحریکات دول محافظ مشورت دهد، و این حرکت دولت یونان مداخلت بجا تصور می شود

(۲ رجب - ۱۰ جولای)

تلگراف (اتن) ظالم میدارد که مناقشه (یونان و رومانی) تصفیه یافت جهاز (رومانی) (امپرنیل تراجان) وارد بندر ایاریس و حاکم بندرگاه با کپتان جهاز مذکور ملاقات نموده تأسف خود را اظهار کرد و گنت شخص فراری را که مورت اغتشاش بود به کپتان جهاز (امپرنیل) سپرده شد

(۳ رجب - ۱۱ جولای)

اعلیحضرت (جارچ) پادشاه انگلستان امروز رهسپار (الدوشوت) خواهند شد و در خیام سلطنتی يك هفته توقف نموده ملاحظه قشون خواهند نمود نه تنها مشق قشون ملاحظه خواهد شد بلکه حالت حقیقی قشون را تحقیق خواهند کرد (دیوک آف کنات) بمیت ایشان بوده، و بعد از ختم مشق رهسپار (پورتسموت) خواهند گردید

(۴ رجب - ۱۲ جولای)

(لاردرگلاسن) فرمانفرمای تازه هند و زوجه محترمه شانت سوم نومبر بجانب هندوستان رهسپار خواهند گردید

حکومت (کریت) رسماً به دول محافظ نوشته که احکام آنها را گردن نهند

(قیمت اشتراك ہند)

(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عثمانی و مصر)

• مجیدی — ۳ مجیدی

حیات

(کلیہ امور ادارہ با)

(مدیر کل مؤید الاسلام است)

(ہر دو شنبہ طبع)

(ہر دو شنبہ توزیع میشود)

آقا سید حسن تقی زادہ دام اقبالہ



شکندہ طوق رقبت ، جسور سازندہ وکلای ملت ، حافظ صمیمی قانون اساسی ، جناب مستطاب

آقا سید حسن تقی زادہ کہ در دورہ اول نیز از وکلای آذربایجان بود ، اول کسی است کہ در

راہ حفظ حقوق ملت بخلاف دولتیان علناً زبان در مجلس گشود و ازین رو مفضوب ترین خلق خدا

نزد محمد علی بود ، در انہدام مجلس بسفارت خانہ انگلیس بنا شد و از آنجا بہ اروپا و عودت بہ تبریز

نمود و پس از فتح سردارین ایشان ہم بہ طہرات آمدہ بوکالت مجلس نامزد گردید ، واقفان رموز

میدانند کہ خدمات این سید شیور در راہ مشروطیت در قطار سایر سرداران و مجاہدین است و اگر

دہ نفر خدام بی لوث مشروطیت را بتوان شمرد یکی را تقی زادہ بایدگفت ، امروز قائد حزب احرار و

رئیس محبوب القلوب انقلابیون شناختہ شدہ ، تقی زادہ جوانی است در منہای حرارت و جودت دورہ

تعلیمات ایرانی خود را تکمیل ، و بزبان خارجہ نیز نا آشنا نیست و باندازہ لزوم امروزہ ایران از اوضاع

سیاست کنونی ہمایگان ہم واقف و در جلو گیری از آمان بجان و دل کوشان است ، و از بدو مشروطیت

روسیان بملاحظہ حیاہ استبداد تقی زادہ را منفور ولی انگلیساش بد تقی داشتند - اینک کہ حزب ملتیان

مسلك دولتین را منہائی با منافع خویش دیدہ گویا خارجہ پرستان وجود با جرئت و غیرت تقی زادہ را

در مجلس نہ پسندیدہ و بر حسب تلکرافات تقی زادہ رخصت سہ ماہہ خواستہ ارادہ حرکت از ایران

نمودہ است - ظاہر است کہ تقی زادہ با آن مآتوسیتیکہ بخدمات وطنیہ دارد درین موقع نازک بالاختیار ترک

مجلس نگفتہ و اگر چنین باشد باید تلکرافتیکہ از طهران در روزنامہ (رج) اشاعہ یافتہ باخراج تقی

زادہ از ایران پیش آمدیک واقعہ فوق تصوری را میرساند ، تصدیق نمود ، ما بقدر ذاتی وقوت ملتیان

مماثلیم کہ عنقریب تقی زادہ با فوڈ کلہ بیشتر از بیشتر در مجلس مقدس آمدہ خدمت بوطن عزیز

خویش خواہد فرمود - ملتیان راست کہ قدر چنین خدام خالص وطن را دانستہ و پی بہ نتایج وخیمہ کہ

از ہتک احترام ایشان بملک و ملتشان باید تواند شد بردہ غافل نہ نشینند ، کہ تعصب از دین است

▶ باز هم میگوئیم ایران مستشار

(خارجه ضرورت دارد)

دو سال در دوره مشروطیت اولیه و يك سال درین دوره بارها نوشتیم که پیشرفت امور مشروطیت بلکه بقاء استقلال ایران منوط با استخدام مستشار های خارجی است، در دوره اول بسر سخت وزراء این کلام داخل نمیشد، عقول خود شانرا در این نظام مملکت کافی تصور مینمودند، طولی نکشید که این غلط فهمی یا اغلوطنه کاریرا خودشان بلکه جمیع دنیا دانستند که فقط پارك و درشکه و کثرت املاک و ثروت و زدیاد خدم و حشم کافی از تربیات علمی و انتظامات يك مملکت نتواند بود، ابرام ما وسایر ارباب قلم و پیش آمدهای خرابی مملکت و درازی مهلت برای انجام امور رفته رفته درجه توحش وزراء را از این سخن کم کرد تا بمحذاته درین دوره وزرای ما در بروگرام خود شان که به مجلس مقدس تقدیم نمودند مسئله استخدام مستشار های خارجه را هم ضمیمه نموده مارا بسی امیدوار ساختند، ولی بدبختانه اینک ۱۳ ماه میگذرد که کابینه موجوده بروی کار است و با اینکه عقیده خود شانست هم در لزوم استخدام مستشار های خارجی بوده تا کنون اقدامی برای انجام این امر مهم که اساس جمیع ترقیات بلکه استقلال ایران شناخته می شود نرموده اند، بجه علت و چرا تسامح در این امر شده از موضوع بحث ما خارج است، عدم پیشرفت کارها بلکه همه روزه تا اندازه عقب رفتن البته پیش از پیش بوزرای محترم ما ثابت نمود که آن ذوات محترمه از عهده اصلاحات يك مملکت باصول علمی و فنی بدون مستشار های خارجی بر نمی آیند

ما بدون ورود رواسی چنانچه بارها گفته باز هم میگوئیم که اصلاحات مملکتی و انتظامات علمی ایران فوق عقل و تصور وزرای ماست، بدون معلم یعنی مستشار های خارجی محال است ایرانیان بتوانند عراده مشروطیت سلطنت خودرا بگردانند، بل اگر مستشار های خارجی داشتیم اقلا روابط وزارتخانه های ما با يك دیگر معلوم میگردد، اگر مستشار های خارجی داشتیم رؤسای ادارات ما بر علیه یکدیگر در هر حکومت و ایالت آن انتضاحات را بار نمی آوردند، ادارات يك مملکت مانند چرخهای يك ساعت تمام بهم پیوسته

و مربوط است و ممکن نیست بدون اوستاد یعنی ارباب فن بتوانیم چرخهای وزارتخانه ها و ادارات خودرا بیکدیگر پیوند دهیم و مانند سایر ملل مترق بدون مایق و مانی بکار اندازیم -

خرابکاریهای این يك ساله اخیر که کم کم همان شکل دوره محمد علی را پیدا کرده بر ما ثابت و دهرهن ساخته که بدوشت معلمین یعنی مستشار های خارجی نمیتوانیم این کشتی طوفان خورده خودرا از گرداب بلا نجات دهیم، درست اگر دقت ناهم درین يك ساله مشروطیت بواسطه نداشتن علم باندازه عقب رفته ایم که نزدیک است رشته استقلال ما از هم گسیخته خودرا دوجار اسارت و عبودیت ابدی اجانب سازیم اگر ما مستشار عالم در وزارت خانهای خود داشتیم نه آنهمه اختلافات استقلال شکنانه بین وزراء پیش می آمد و نه اینقدرها بدنام در سازش بخارجه می شدند - هرگاه مستشار های خارجی داشتیم همسایگان ما نمی توانستند از بیعلمی ما تا این اندازه فائده گرفته بر اجحافات و بیقانونیها خود اباس قانونی به بوشانند ما می برسیم که درین یکساله کدام يك از وزارتخانه های ما شکل اداری گرفته، آیا وزرای ما طالب نبودند که بوزارتخانه های خود شکل اداری بدهند؟ هرگز، هرگز، شك نیست که وزرای ما خیرخواه وطن و ترقی جوی استقلال سلطنت ولی علم اداره (که در میوه جات ایران یافت نمی شود) نداشته ازین رو تا کنون تمام کارها بطریق شرب الیهودی گذشته و روز بروز بر بریشانی مملکت افزوده از استقلال سلطنت میکاهد

ما با يك صدای رسا با يك اطلاع موثق کافی جمیع طبقات انبای وطن محبوب خودرا از روحانین و اعیان و تجار و کسبه آگاهی میدهم که تا وقتیکه مستشار های خارجی برای وزارتخانه های خود جلب نمایند هم روزه بر بریشانی مملکت افزوده و از استقلال سلطنتشان کاسته خواهد شد، عجب این است که وکلای مجلس مقدس ملی تا کنون چگونه درین موضوع اهم از وزراء باز خواست نموده وسخت نگرفت تا اقلا بوزارت خانهای خود شان شکل اداری داده باشند درست است که وزراء مسئول صحت عمل خود میباشند و مجلس نباید در جزئیات مهملات آنها دخالت نماید ولی باید دانست که مسئله مستشار برای

پیشرفت مقاصد مشروطیت و تشکیل اداری اساس صحت عمل شناخته شده و این مسئله را جزئی نمیتوان گفت. نائباً کابینه موجوده در پروگرامیکه خود به مجلس پیش نمودند جواب مستشارهای خارجه را نیز متضمن بود هیچ جبهه ندارد که در انجام این اقدام حیات بخش تا این درجه وزراء فعلی نمایند و مجلس مقدس ساکت و سامت ماند (سوم) پریشانی مملکت و خرابیهای ادارات دولت ثابت نمود که وزرای محترم ما بشخصه از عهده اداره نمودن وزارت خانهای خود بر نمی آید، و تا وقتیکه مستشارهای خارجی جاب نشود ایرات دارای وزارت خانه نخواهد بود، و تا زمانیکه وزارت خانه نداشته باشیم ادارات صحیح با انتظام نخواهیم داشت، و مملکتی که دارای ادارات صحیح نباشد ملزوم بهرج و مرج خواهد بود، چنانچه هرج و مرج کنونی ایران هیئت وزراء را در عالمیان چرکین نموده است و با این دوام ضعف دولت و تصرفات اجاب را از عدم تشکیل وزارت خانه های صحیح میدانیم و اگر رفع هرج و مرج از ایران نشود وداع استقلال ایران قطعی است

هرگاه ما مستشارهای خارجی داشتیم (یعنی وزارت خانه میداشتیم) روسیاست نمی توانستند بگویند که اطمینان بامنیت ایرات نمی توان کرد، هرگاه ما مستشارهای خارجی را جاب نموده بودیم (یعنی وزارت خانهای خود را مرتب میکردیم) با این زرخیزی مملکت و قلمه مصارف دولت و از هیداد دخل و کمی قرض برایی چهار صد هزار لیرا تا این درجه اقتضاح بار نمی آوردیم و بی اعتباری خود را بر عالمیان مسجل نمی داشتیم -

یکی از جرائد انگلستان در آت ایام نوشت « آخر اسم مشروطیت که قلب ما هبت نمیکند و علم و تجربه فوری نمی آموزاند. بشر این رجالیکه امروزه بروی کار هستند همان اشخاصی هستند که دست یفا بقروض اولیه دولت دواز کرده بودند، آخر بچه اعتماد و به بچه اعتبار بکدام اداره و وزارت خانه میتوان پول دست این قبل رجال داد، بیل هرگاه ما مستشارهای خارجی داشتیم اولاً همایگان ملت را بیوقوف و مملکت را بی صاحب فرض نکرده تا

دست تجاوز خود را کوتاه نمی کردند همان مستشار های خارجی برای جواب دادن آنها کافی بودند هنوز عقیده غالب از اروپائیان در حق ایرانیان این است « مشروطه ایرات بازی و یک گونه نیرفک است، ورنه در مدت یک سال که این هیئت وزراء به روی کار اند چرا نباید قدمی بطرف اصلاحات برداشته باشند؟ بر فرض سکه وزرای ایران دارایی نیت خالصه باشند آیا نیت خالصه کافی از علم و تجربه هم تواند بود؟ آیا در این یک سال اقدامیکه دلالت باصلاح امور نماید کرده اند؟ آیا یک قدم از تجاوزات خارجه جلو گیری شده است؟ آیا اعتباری بایله مملکت داده اند؟ آیا تریبی برای اصلاح قشونی بروی کار آورده اند؟ عجیباً بیودن راه ترکستان مارا بکعبه امید تواند رسانید؟ هرملت که قدم بجاده ترقی نهاده و هر دولت که تغییر در وضع اساسی خود داده اول قدمی که بجانب اصلاحات برداشته همانا جلب مستشارهای عالم و ارباب فن بوده این است تاریخ ژاپون - این است پیش آمده عثمانی، وزراء ایران را درین یک سال اخیر چه چیز مانع بوده است سکه مستشار های عالم را برای وزارت خانهای خود جلب نموده اند؟ آیا عذر اینکه مالیه دولت اجازه بجلب مستشار های عالم نمیدهد مسوع است؟ خیر، بدو جهت، اول اینکه مایه بینیم آن اندازه که امروزه در وزارت خانهای ایران مصارف بیجا می شود مطابق است با چندین برابر مواجب مستشارهای خارجی، نائباً هرگاه مستشار های خارجی طلب کرده بودیم طبعاً آنها مصارف فضول وزارت خانها ترك میکردید و گویا علاوه مواجب آنها یک مبلغ بزرگ هم صرفه دولت می شد (واضحتر بگوئیم)

همایگان تا وقتیکه ادارات و وزارتخانه های مارا منظم نه بینند نه ترك تجاوز خواهند گفت نه اعتماد با خواهند کرد و نه بهانه جوش شان کم خواهد گردید، و ادارات و وزارت خانهای مامم محال است بدون مستشار های خارجی مرتب و منظم گردد، گویا معاونین و اعضای وزرات خانهای ما بخودی خود مشکل است بجانب مستشار های خارجی نن در دهند، چرا؟ بجهت عهده که ذکرش در اینجا

(قدری بی پرده تر بگوئیم)

اوضاع سیاسی دنیا با آواز بلند فریاد میزند که اگر ایرانیان بالاخر از دول بیطرف رایج اصلاح امور و تشکیل ادارات و وزارت خانهای خود جلب مستشار نمایند عملاً قریب چنان گریه در ایران برقص آید که بالاخر از دو همسایه جلب مستشار (بلکه حاکم و فرمانفرما و آقا) نمایند و ایران را بصورت مصر بلکه بدر از آن در آورند، کجا رواست که ملت ساکت نشسته و وکلای مجلس مقدس آرام گرفته این مهلت عنیبت و این اختیارات ذقیمت را از دست بدهند ، امروز موقع آن گذشته است که امیدوار باعضای وزارت خانها باشیم که بالاخر جلب مستشار خارجی نمایند، یا بشخصه از عهده انتظامات علمی مملکت برآید

گویا آب زوات چنان تصور میزمانند که جلب مستشار خارجی همانا ترك اختیارات مطلقه آنها در وزارت خانه های خودشانست و ما نمی توانیم تسلیم باشیم که وزراء بواسطه فشار همسایگان تاکنون بدین امر اقدام نموده اند ، چه فشار همسایگان هیچ ربطی بمسئله جلب مستشارهای خارجی نداشته و ندارد.

يك از داناتایان با سیاست چنین میزویسد « آسایش ایران و نجات آنان از جنگال همسایگان منوط بحلب مستشارهایی خارجی است از دول بیطرف، تا همان مستشارها بر حسب وظایف خود از روی قوانین بین المللی اجحافات و زیادتیهایی همسایگان را جلوگیری نمایند ، ایرانیان موجوده نه تنها علم و لیاقت آرا ندارند که حقوق قانونی خود را بفهمند و جلوگیری از مداخلتهای همسایگان نمایند بلکه آن جنبه حرمت و جلالت ادنی اروپائی حتی در وزراء آنها یافت نمی شود که از برکت آن حرمت جلوگیری از زیادتیهای همسایگان نمایند، گویا همسایگان در پیشرفت مقاصد خود امروز در ایران هیچ مانعی نمی بینند ، هیچ ثبوتی برای این مدعا بهتر از برخی جلوگیریهای مسیونوز بلجیکی از همسایگان نیست ، با اینکه نوکر يك از وزراء و رئیس يك اداره بش بود از روی علم و مهارت و وظیفه خودرا انجام میداد و جلو همسایگان را قانوناً میکرفت و حال آنکه جز قانون دان و جرئت طلبی قوت دیگر در مسیونوز نبود»

حلاهم باید دانست تا ما مستشار خارجی ننگذاریم نه انتظامات داخلی خودرا از روی علم و صحت توانیم داد و نه دارای حکومت اداری و شوروی خواهیم

گردید و نه همسایگان از فشارها و مداخلتهای دو وطن ما باز خواهند آمد

دیگری تصور میکند « مانع قوی وزراء امروزه ایران در جلب مستشارهای خارجی همانا همسایگان می باشند یعنی همسایگان ما بهیچ وجه مائل نیستند که ما جلب مستشارهای خارجی نموده و انتظاری در کارهای خود بدهیم ، وزراء ما نیز که بقا و دوام مسندرا بر استقلال مملکت ترجیح میدهند همینکه میلان سفرای دو اقلین را دیده این مسئله اهم را تعقیب نمی نمایند سوی میگویند « وزراء حالیه سعی اند که همواره ملك و ملت را بوجود خویش محتاج دارند و این امر مانع است با جلب مستشارهای خارجی، چه اگر مستشارهای خارجی جلب شود و چرخ ادارات و وزارتخانهها از روی صحت بگردش آید آن شدت احتیاجیکه امروزه بوجود وزراء داریم کمتر خواهد گردید ، و امروز که وزارتخانه ما عبارت از كيف يك وزیر است همینکه اندکی ته ترازو زمین زنند ناچاریم که همگونه خواهشاتشان را قبول کنیم» (به عبارت ساده تر)

امروز وزارت کردن در ایران مشکل است ولی همینکه بذریعه مستشارهای خارجی دارای وزارتخانه شویم وزارت سهل خواهد شد

امروز بواسطه اشکالیکه از نداشتن وزارتخانه داریم عدد رجالیکه قابل وزارت باشند آنکشت شمار گردیده ، ولی همینکه مستشارهایی خارجی داشته و وزارت خانه مرتب داشته باشیم عده رجالیکه قابل وزارت باشند خیلی پیدا خواهیم نمود ، همین نکات است که جمعی را به شبهه اداخته که وزرای محترم مائل بحلب مستشارهای خارجی نمیباشند و این عذریم که در پرده ظاهر میدارند که اگر مستشارهای خارجی از برخی دول بگیریم همسایگان ناراض خواهند شد سخن است بی مأخذ، چه امروزه ایران اگر از دول بیطرف مستشار خارجی جلب نماید همسایگان ما را هیچ بهانه نخواهد بود پس یگانه وظیفه ملت و مجلس مقدس این است که جدیت نموده وزراء را مجبور بحلب مستشارهای عالم نمایند و هیچ عذر و بهانه را از ایشان نه بپذیرند، ورنه پیاید روزیکه نامد شویم در حالتیکه ندامت را سودی نباشد